

چالش ها و موانع به کارگیری و اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی ایران و راهبردهای اصلاح و رفع آنها

نوع مقاله: ترویجی

محمد دهقان منشادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۹

چکیده

علیرغم تأکید بر اهمیت عقود مشارکتی در ادبیات اقتصادی به ویژه اقتصاد اسلامی، سهم این عقود از کل تسهیلات سیستم بانکی ایران در سال‌هایی اخیر کاهش یافته است. این موضوع بیانگر وجود مشکلات اساسی در اجرای این عقود می‌باشد. مشکلاتی که سبب شده بانک مرکزی نیز توصیه نماید سیستم بانکی به عقود غیرمشارکتی معطوف شود. نظر به اهمیت استفاده از مشارکت واقعی در تخصیص منابع مالی، این مطالعه با روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از مفاد نمونه‌ای از دعاوی قضایی موجود در این زمینه و مرور مطالعات موجود، به بررسی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در سیستم بانکی و آرایه راهکارهای مورد نیاز برای اصلاح آنها در ایران، پرداخته است. در این راستا چالش‌های موجود در تنظیم قراردادهای مشارکتی در سیستم بانکی و همچنین موانع اجرا و پایبندی به این عقود شناسایی گردیده است. نتایج بیانگر آن است که مدیریت سلطه مالی، افزایش اقتدار بانک مرکزی در نظارت، ساماندهی نظام اعتبارسنجی مشتریان و رابطه بانک و بنگاه، توسعه بانکداری سرمایه‌گذاری، استفاده از ظرفیت کارشناسان رسمی دادگستری، کاهش ریسک پرداخت تسهیلات، به‌روز رسانی قانون عملیات بانکداری بدون ربا، ایجاد وحدت رویه در فرمت تنظیم قراردادهای و محاسبات مربوط به تسهیلات، ارتقای نظام آموزش کارکنان و ایجاد تنوع در وثایق بانکی به عنوان مهمترین راهبردهای مورد نیاز برای رفع چالش‌های موجود، معرفی گردیده است. لذا پیشنهاد می‌گردد این راهکارها به منظور اصلاح عقود مشارکتی در دستور کار مدیران شبکه بانکی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: عقود مشارکتی، بانکداری اسلامی، بانک مرکزی ایران، کارشناسان رسمی دادگستری.

طبقه‌بندی JEL: E40, E43, E58, G21

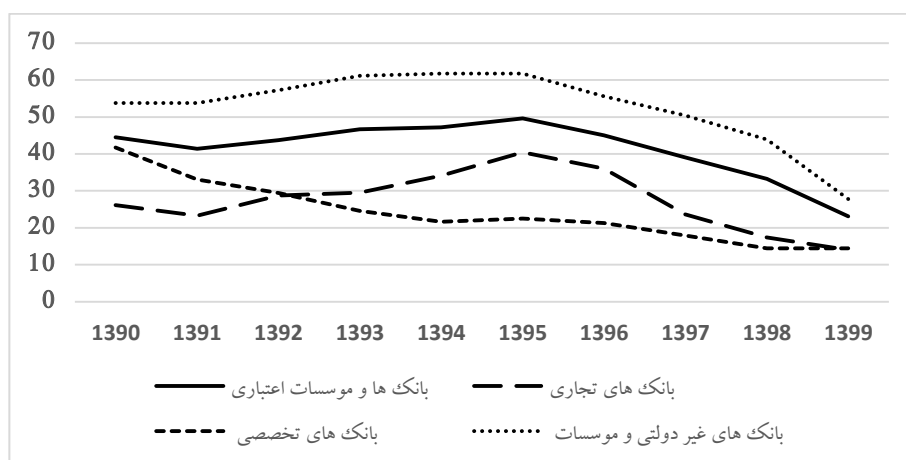
^۱ دکتری اقتصاد از دانشگاه شیراز، معاون اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان یزد، کارشناس رسمی دادگستری در رشته امور سرمایه‌گذاری، پولی و اعتباری
mohammadmanshadi@gmail.com

مقدمه

بنا به تعریف مشارکت یکی از روش‌های تامین مالی فعالیت‌های اقتصادی است که مورد تایید اسلام بوده و بر اساس مبنای فقهی آن، از درهم آمیختن سرمایه شرکاء شکل می‌گیرد و همه شرکاء حق دخالت و نظارت بر فعالیت اقتصادی و مدیریت آن را دارند؛ از جمله اساسی‌ترین مفاهیم قرارداد مشارکت، تقسیم سود و زیان در انتهای فعالیت اقتصادی و یا قرارداد، به نسبت سرمایه هر کدام از شرکاء است. بر اساس مطالعات نظری موجود عقود مشارکتی بنیان اصلی بانکداری اسلامی را تشکیل می‌دهد و باید در تجهیز و تخصیص منابع به طور عمده از این دسته از عقود استفاده نمود (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴). همچنین مطالعات تجربی موجود نیز بر اهمیت نقش این عقود در ایجاد رشد اقتصادی، اشتغال و افزایش درآمد سرانه تاکید نموده اند تا حدی که یک رابطه علیت یکسویه از سرانه تسهیلات عقود مشارکتی به درآمد سرانه شناسایی شده است (عاقلی و عساری، ۱۳۹۵). همچنین مطالعات موجود بر اهمیت استفاده از مشارکت واقعی در تخصیص منابع مالی در نظام اقتصادی نظیر تثبیت ارتباط بخش مالی با بخش واقعی اقتصاد، پذیرش و توزیع منصفانه ریسک، تسهیم سود و زیان و تحمیل فشار کمتر به تولیدکنندگان در مواجهه با شوک‌های غیرمترقبه تاکید نموده اند (قلیچ، ۱۳۹۹). علیرغم این موضوع، سهم عقود مشارکتی از کل تسهیلات سیستم بانکی ایران در سال‌هایی اخیر کاهش یافته است. بررسی عملکرد سیستم بانکی بر اساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد سهم این عقود از ۴۹/۶ درصد در شهریور ماه ۱۳۹۵ به ۲۴/۸ درصد در پایان شهریور ماه ۱۳۹۹ کاهش یافته است. به عبارت دیگر طی سال‌های مورد نظر تمایل بانک‌ها به اعطای تسهیلات مشارکتی در بازه زمانی مورد نظر به نصف کاهش یافته است. روند تغییرات سهم عقود مشارکتی در کل سیستم بانکی و به تفکیک انواع بانک‌ها طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹ در شکل شماره یک نمایش داده شده است. روند موجود بیانگر وجود مشکلات اساسی در اجرای این عقود می‌باشد. برای تبیین این پدیده دلایل متعددی ذکر شده است. یکی از دلایل این پدیده مشکلات موجود بین بانک‌ها و مشتریان در اجرای قراردادهای مشارکتی مطابق با قوانین موجود بیان شده است. این دلیل از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که بانک مرکزی در ابتدای سال ۱۳۹۹ با ابلاغ بخشنامه‌ای^۱ موکداً توصیه نماید بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی در فرآیند تخصیص منابع عمدتاً به عقود غیرمشارکتی معطوف شوند. در این بخشنامه آمده است: "... با امعان نظر به لزوم اجرای دقیق عملیات بانکی بدون ربا و اجتناب از هرگونه شائبه صوری بودن قراردادهای مشارکتی و النهایه کاهش ریسک حقوقی شبکه بانکی کشور در این خصوص، موکداً توصیه می‌شود بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی در فرآیند تخصیص منابع عمدتاً به عقود غیرمشارکتی معطوف شوند و اعطای تسهیلات در قالب عقود

۱. بخشنامه شماره ۹۹/۲۲۱۰۰۷ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۰، ابلاغ اصلاحیه دستورالعمل شناسایی درآمد موسسات اعتباری.

مشارکتی صرفاً با بکارگیری سازوکارهای مقتضی که محاسبه سود و زیان واقعی موضوع مشارکت در آن امکان‌پذیر است، انجام شود". برخی صاحب‌نظران معتقدند که این روند در سال‌های اخیر باعث رشد بدهی بخش خصوصی به بانک‌ها، رشد مطالبات معوق بانک‌ها و اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی و رشد نقدینگی و تورم شده و سودآوری بخش‌های اقتصادی و بانک‌ها را به نسبت کاهش داده و لذا باید در جهت رشد تولید و بهبود کسب و کار و افزایش سود از محل عقود مشارکتی اقداماتی انجام شود (محرابی، ۱۳۹۸). از این رو ضروری است مشکلات بین بانک‌ها و مشتریان در قراردادهای مشارکتی و راهکارهای رفع آنها مورد بررسی نظری و تجربی قرار گیرد. لذا این مطالعه به بررسی مشکلات بین بانک‌ها و مشتریان در قراردادهای مشارکتی و راهکارهای رفع آنها می‌پردازد. به طور مشخص این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سوالات می‌باشد که چه مشکلاتی در تنظیم قراردادهای مربوط به عقود مشارکتی در سیستم بانکی وجود داشته و اقتصاد ایران برای اجرا و پای‌بندی به عقود مشارکتی با چه موانع و چالش‌هایی روبرو بوده و برای رفع این مشکلات چه راهبردهایی در سیستم بانکی قابل پیگیری است؟ برای پاسخ گویی به این سوالات، ساختار تحقیق به این شکل ساماندهی شده است که در بخش دوم پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته، در بخش سوم روش تحقیق و در ادامه در بخش چهارم، یافته‌های حاصل از بررسی مطالعات موجود و پرونده‌های کارشناسی ارائه شده است. بخش پنجم نیز به جمع‌بندی اختصاص یافته است.



شکل ۱. روند تغییرات سهم عقود مشارکتی در کل سیستم بانکی و به تفکیک انواع بانکها طی سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹ (درصد)

منبع: محاسبات صورت گرفته با استفاده از آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۱. پیشینه تحقیق

در این بخش سعی شده است تا با مرور مطالعات موجود در این حوزه با تاکید بر مطالعاتی که به بررسی مشکلات عقود مشارکتی پرداخته اند، جایگاه موضوع در ادبیات تحقیق تبیین گردد. از این رو مطالعات چند سال اخیر مورد بررسی و نتیجه به تفکیک مطالعه در ادامه ارایه شده است. ملاکریمی و راغبی (۱۳۹۸)، در مطالعه خود با روش توصیفی و تحلیل محتوا و با استفاده از منابع فقه امامیه به این پرسش پاسخ داده‌اند که چه معیارهایی برای تشخیص شروط مخالف مقتضای عقد وجود دارد و آیا در قراردادهای بانکی به این ضابطه در رابطه با درج شروط ضمن عقد توجه می‌شود؟ نتایج پژوهش گویای آن است که در رابطه با موافقت یا مخالفت شروط ضمنی در قراردادهای مشارکتی بانک مرکزی ج.ا.ا. دو رویکرد فقهی وجود دارد. بر اساس رویکرد نخست این شروط خلاف مقتضای عقد محسوب می‌شوند؛ اما رویکرد فقهی دوم، از صحت این شروط و موافقت آن با مقتضای عقود مشارکتی دفاع می‌کند هر چند درج این شروط را منافی کارکرد و اهداف واقعی عقود مشارکتی می‌داند و از این جهت به آن اشکال وارد می‌کند.

سید نورانی و همکاران (۱۳۹۸)، با نظرسنجی و طراحی یک پرسش‌نامه (شامل ۲۰ سؤال)؛ عوامل اقتصادی مؤثر بر انحراف تسهیلات را بررسی نموده‌اند. نتایج و تجزیه و تحلیل آزمون فریدمن و ضریب آلفای کرونباخ حاکی از آن است که انحراف تسهیلات با حجم تسهیلات اعطایی، نرخ سود تسهیلات بانکی و سهم عقود مشارکتی رابطه مستقیم و با کمیت و کیفیت نظارت بر سیستم بانکی و خलाهای قانونی و حقوقی رابطه مستقیم دارد.

شاگری و توکلی (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای به تبیین ماهیت عقود مشارکتی و میزان رعایت آن در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد روش صحیح در تبیین ماهیت عقود مشارکتی، روش «کشفی - مقاصدی» است که ترکیبی از چهار روش کشفی شهید صدر، اکتفا به ضوابط عقود، تحلیل عرفی و تحلیل بر مبنای مقاصد شریعت است. بر اساس این روش انتقال ریسک سرمایه به فرد دیگر، موجب از بین رفتن ماهیت عقود مشارکتی است.

قوامی (۱۳۹۶)، به این پرسش پاسخ داده است که با استفاده از الگوی مدیر - عامل چگونه می‌توان مشکل کژگزینی در عقود مشارکتی بانکداری اسلامی را حل کرد و یا در چه شرایطی به کمترین رساند و یک الگوی ساده و کم هزینه‌تری ارائه داد؟ یافته‌های پژوهش از حل الگوی ارائه شده نشان دهنده امکان پذیر بودن حذف شرایط اطلاعات نامتقارن میان بانک و مشتری در صورت پایبندی کامل به مقررات شرعی و اسلامی توسط مشتری است.

مختاری (۱۳۹۵)، با استفاده از پرسشنامه و پاسخ ۲۱۵ نفر از کارشناسان، مدیران و خبرگان در شعب بانک صادرات تهران، عوامل موثر بر اجرای صحیح قراردادهای بانکی در شعب بانک صادرات شهر تهران را ارزیابی نموده است. نتایج تحقق بیانگر آن است که مهمترین چالش‌های اجرای قراردادهای بانکی پیچیده بودن قوانین و مقررات، تخصص و دانش مدیران، سطح آگاهی جامعه، سیاست‌های پولی بانک مرکزی، سیاست‌های اعتباری بانک مرکزی، تورم، نظارت و کنترل، حساسی عقود و عدم تحقق سود، وثایق و تضامین، نرخ سود، عدم وجود ساختار مناسب برای ورود بانک به بخش واقعی اقتصاد و دخالت دولت، می‌باشد.

بر اساس مطالعه شهنازی و پناهی (۱۳۹۴)، به بررسی میزان صوری بودن قراردادهای بانکی به تفکیک عقود مورد استفاده بانک‌ها پرداخته‌اند. روش تحقیق در این مقاله میدانی بوده و روی نمونه ای از شعب بانک ملت شهر شیراز است. نتایج نشان می‌دهد، صوری شدن عقود بانکداری اسلامی هم در عمل و هم در ذهنیت مشتریان و کارکنان بانک بسیار زیاد است.

نظرپور و لطفی‌نیا (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان "اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی در بانکداری اسلامی به کمک صندوق‌های پروژه محور" به روش توصیفی-تحقیقی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع پرداخته شده است که صندوق‌های پروژه محور می‌توانند طی سه مرحله بررسی تقاضا، نظارت و اجرا و حساسی و تسویه بانک‌ها را در اجرا صحیح تسهیلات مشارکتی یاری نمایند.

موسویان و عبداللهی (۱۳۹۲)، با روش توصیفی و اکتشافی با ابزار مصاحبه با خبرگان و پیمایش متون، ابعاد ابهام و اشکال عقود بانکی مطالعه موردی عقد مضاربه، استنباط شده و با تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تجزیه و تحلیل و در نهایت ارتباط و توالی ابعاد و مولفه‌های ایجاد آسیب و ابهام بدست آمده و بصورت یکپارچه مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج مطالعه حاکی از آنست که «ضعف و نارسایی مقررات و دستورالعمل‌ها»، «سیاست‌های پولی و اقتصادی دولت و بانک مرکزی»، «آگاهی کارکنان و مشتریان بانک نسبت به عقود بانکی» و «توجه به

ریسک‌های عقود بانکی قبل از تخصیص» در اولویت اول جهت اجرای صحیح قراردادهای شبکه بانکی می باشد.

عبداللهی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان "آسیب‌شناسی الگوی عملیات مضاربه در نظام بانکداری بدون ربای جمهوری اسلامی ایران"، برای اجرای صحیح قرارداد مشارکت و نیز برطرف کردن چالش‌های مذکور راهکارهایی نظیر مشارکت کاهش‌یابنده (فروش تدریجی سهم بانک به متقاضی)، قراردادهای تشویقی (تحریک متقاضی به تلاش بیشتر و ارائه گزارش صحیح سود و زیان)، بیمه قراردادهای، در نظر گرفتن حساب ویژه برای زیان‌های احتمالی، توزیع ریسک تسهیلات پرداختی و کاهش سهم سود بانک (برای مقابله با شوک‌های اقتصادی و دوران رکود) را پیشنهاد نموده است.

حاجیان و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی "موانع و مشکلات اجرای عقود مشارکتی در سیستم بانکی" اقدام نموده‌اند. بر اساس این مطالعه شفاف‌نبودن آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در زمینه اجرای هر یک از عقود مشارکتی مصرح در قانون عملیات بانکی بدون ربا، شفاف‌نبودن رابطه بانک و مشتری در مراحل مختلف اجرای عقود، نبود راه‌حل‌های مناسب برای تعیین نسبت سود سهم (سهم طرفین)، مهیا نبودن شرایط لازم برای مشارکت در زیان از طرف بانک‌ها به دلیل به مخاطره‌افتادن اصل سپرده‌های بانکی، نبود سازوکارهایی برای دستیابی به اطلاعاتی در خصوص میزان هزینه‌ها و درآمدهای حاصل از فعالیت مزبور، مسئله مخاطرات اخلاقی از سوی گیرنده تسهیلات و مشخص نبودن نحوه محاسبه سود و زیان در عقود مشارکتی و چگونگی مشارکت در سود و زیان، همواره به عنوان محورهای چالش‌برانگیز در فعالیت بانک‌ها در اجرای عقود اسلامی، به ویژه عقود مشارکتی مطرح بوده‌اند.

توجه دقیق به مسأله این تحقیق و بررسی مطالعات موجود نشان می‌دهد مشکلات موجود در تنظیم و اجرای عقود مشارکتی سیستم بانکی و راهکارها مورد نظر برای رفع آنها، تا کنون در مطالعات مورد توجه قرار نگرفته است.

۲. روش تحقیق

این مطالعه سعی نموده از یک سو با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با تحلیل محتوا به روش تلخیصی، به بررسی موضوع تحقیق بپردازد. از این روی مقالات و مطالعات موجود در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته و مهمترین حقایق آشکار شده مربوط به مشکلات موجود در عقود مشارکتی سیستم بانکی، شناسایی و به دنبال آن اطلس راهبردهای مورد نیاز ترسیم شده است. به عبارت دیگر با توجه به ادبیات نظری و تجربی موجود و همچنین یافته‌های تحقیق در حوزه چالش‌ها و موانع موجود در بکارگیری عقود مشارکتی، راهبردهای شناسایی شده ارایه گردیده است. این روش به این دلیل انتخاب شده است تا بتوان از نتایج تحقیقات موجود در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده و آنها را کاربردی نمود. از سوی دیگر با رویکرد

کاربردی-اجرایی، محتوای گزارش‌های کارشناسی بیست پرونده ارجاع داده شده به سیستم قضایی^۱ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، رویکردی که یافته‌های تحقیق را کاملاً کاربردی نموده و می‌تواند به راحتی در شرایط کنونی اقتصاد کشور نیز به کار گرفته شود.

۳. یافته‌های تحقیق

با توجه به گستره موضوع، یافته‌های تحقیق، در سه بخش ارایه گردیده است. بخش اول مشکلات موجود در تنظیم قراردادهای مشارکتی سیستم بانکی را تشریح نموده، در بخش دوم چالش‌های اجرای عقود مشارکتی در ایران با تاکید بر محتوای مطالعات موجود ارایه شده و در بخش سوم هم راهبردهای اصلاح کننده و بهبود دهنده عقود مشارکتی در نظام بانکی ایران تبیین شده است.

۳-۱. مشکلات موجود در تنظیم قراردادهای مشارکتی سیستم بانکی

حسب ماده ۱۸ آئین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ و ماده یک دستور العمل اجرایی مشارکت مدنی مصوب ۱۳۶۳ و ماده ۵۷۱ قانون مدنی، قرارداد تسهیلاتی مشارکت مدنی، عبارتست از درآمیختن سهم شرکت نقدی و غیرنقدی اشخاص حقیقی یا حقوقی به نحو مشاع به منظور انتفاع. یعنی با تنظیم قرارداد تسهیلاتی مشارکت مدنی فی مابین اشخاص و بانک‌ها یا موسسات مالی و اعتباری، طرفین به منظور انجام موضوعی خاص، مبادرت به تنظیم مشارکت مدنی می‌نمایند. که هر یک به صورت مشاع و به نسبت سهم شرکت مالک محسوب می‌شود و در سود حاصله شریک می‌باشند. لیکن علی‌رغم آنکه می‌بایست قراردادهای تسهیلاتی مشارکت مدنی براساس قوانین پولی و بانکی کشور و سیاست‌های بانکی در جهت کمک و یاری رسانی به اشخاص در حوزه‌های مختلف صنعت، تولید، خدمات، ساختمان سازی و امثالهم قرار گیرد متأسفانه در برخی موارد در تنظیم قرارداد دقت کافی صورت نمی‌گیرد و همین موضوع مشکلات جدی را برای بانک‌ها در محاکم قضایی ایجاد نماید زیرا عدم رعایت قوانین بالادستی حوزه پولی و بانکی و اقتصادی کشور و هم چنین عدم رعایت بسته‌های سیاستی نظارتی بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار موجب ابطال قرارداد مشارکت مدنی می‌شود. همچنین ممکن است بانک یا اشخاص در حین تنظیم قرارداد تسهیلاتی مشارکت مدنی و یا در حین اجرای پروژه موضوع مشارکت مدنی و یا در خاتمه عملیات مشارکت مدنی، موضوعات و موارد قانونی را رعایت نکنند و یا خلاف مقررات و قوانین اقدام نمایند که حسب موضوع می‌تواند منجر به ابطال قرارداد تسهیلاتی مشارکتی مدنی بانکی گردد. از این رو در این بخش با بررسی گزارش کارشناسی بیست پرونده ارجاع داده شده به سیستم قضایی و بررسی مطالعات تجربی موجود، مهمترین مشکلات در تنظیم قراردادهای شناسایی گردیده است. مشکلات شناسایی شده با استفاده از این روش تحقیق را می‌توان به صورت زیر دسته بندی و ارایه نمود.

۱. نظر به محرمانه بودن این پرونده‌ها، محتویات پرونده‌ها نزد نویسندگان محفوظ می‌باشد.

۳-۱-۱. تعیین نرخ سود در قراردادهای مضاربه هنگام عقد قرارداد و عدم مشخص نمودن سهم سود طرفین در قرارداد

تعیین نرخ سود قبل از اتمام پروژه و بدون کارشناسی پروژه و تعیین میزان ارزش افزوده پروژه و به تبع آن سهم هر یک از طرفین از سود، خلاف قوانین از جمله تبصره یک ماده واحده قانون منطقی کردن سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی است. در این راستا بر اساس مطالعه سلطانی و حدادی (۱۳۹۵)، بررسی رویه عملی نشان می‌دهد که در مضاربه‌های بانکی عموماً بانک به دنبال آن است تا میزان معینی از سود را بدون توجه به نتایج واقعی حاصل از فعالیت موضوع مضاربه به دست آورد، در حالی که مقتضای ذات عقد مضاربه تجارت کردن و اشاعه طرفین در سود و زیان حاصل از فعالیت‌های تجاری است. به نظر می‌رسد که اگر اثر چنین شرطی صرفاً خروج قرارداد از شمول عنوان مضاربه باشد و عقد، یک قرارداد معتبر موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی دانسته شود، معامله منعقد یک معامله ربوی خواهد بود. از طرف دیگر اگر شرط صرفاً نامشروع تلقی گردیده و باطل و غیرمبطل باشد، کان لم یکن محسوب شده و همچنان وضعیت توزیع سود میان عامل و بانک مبهم باقی می‌ماند. بر این اساس باید پذیرفت که شرط ناظر بر تعیین سود به نحو معین، خلاف مقتضای ذات عقد مضاربه و به استناد بند ۱ ماده ۲۳۳ قانون مدنی باطل و مبطل است (سلطانی و حدادی، ۱۳۹۶). بدیهی است عدم ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده برای محاسبه میزان سود قطعی ناشی از تسهیلات مورد بررسی توسط مشتریان، تعیین سود را در این گونه قراردادها با مشکل مواجه خواهد نمود.

۳-۱-۲. عدم افتتاح حساب ویژه در قراردادهای مشارکت

مطابق ماده ۳ دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی مصوب شورای پول و اعتبار و ماده ۲۰ آیین نامه قانون اعطاء تسهیلات بانکی مصوب هیأت وزیران مشارکت مدنی در صورتی تشکیل می‌شود که شرکاء طبق قرارداد سهم شرکت نقدی خود را به حساب مخصوص که به همین منظور در بانک افتتاح می‌شود واریز نمایند. از این رو عدم افتتاح حساب ویژه در قراردادهای مشارکت، قرارداد را مخدوش خواهد نمود. این مهم در گزارش سازمان بازرسی (۱۳۹۰)، مورد توجه قرار گرفته است. بررسی‌های میدانی نگارندگان نیز نشان می‌دهد این موضوع هنوز در سیستم بانکی رایج می‌باشد.

۳-۱-۳. درج شروط خلاف مقتضای ذات قرارداد مشارکت مدنی در متن قرارداد

در ضمن عقدهای گوناگون می‌توان شرطهایی قرار داد که عمل به آن در صورتی که شرایط صحت شرط را داشته باشد، واجب است. شرط در معنای اصطلاحی خود عبارت از عهد و التزام است. در حقیقت شرط به تعهدی گفته می‌شود که در ضمن عقد دیگری قرار گیرد. در قرارداد مشارکت مدنی می‌توان شرایطی را در ضمن قرارداد گنجانند، بانک می‌تواند با آوردن شرطی، حق نظارت بر کیفیت جذب سرمایه و برگشت آن در طول قرارداد را برای بانک محفوظ بدارد. اما درج شروط

خلاف مقتضای ذات قرارداد مشارکت مدنی است. در ماده یازده قراردادهای مشارکت آمده است: "شریک ملزم و متعهد شد که سهم شرکت متعلقه بانک / مؤسسه اعتباری به همراه سود ابرازی موضوع مشارکت و ضرر و زیان وارده به بانک / مؤسسه اعتباری را صلح و تبرعاً از اموال خود تأمین و پرداخت کند."

بر اساس مطالعه نظریه‌ور و ملاکریمی (۱۳۹۴)، این ماده باید اصلاح و بانک شرط تضمین سود در فرض عدم سود را حذف کند. زیرا شرط خلاف مقتضای عقد شرکت است و ماهیت قرارداد مشارکت را زیر سوال می‌برد؛ چرا که اقتضای عقد شرکت، مشارکت در سود و زیان است. این صلح اگر شریک را در فرض زیاننده بودن موضوع مشارکت به پرداخت سود ملزم کند، به طور حتم اشکال دارد. این مسئله در حقیقت نوعی تضمین سود محقق نشده است و الزام شریک به پرداخت آن از جهت شرعی اشکال دارد. به عبارت دیگر اجبار شریک به پرداخت سود در فرض عدم سود و ضررده بودن فعالیت صحیح نیست.

همچنین در ماده هفده تصریح شده است: «دفاتر و صورت حساب‌های بانک در هر مورد معتبر و غیرقابل اعتراض است و تشخیص تخلف از مقررات یا هر یک از شرایط و تعهدات این قرارداد با بانک بوده و تعبیر و تفسیر بانک مورد قبول شریک است». همچنین آمده است: «شریک حق هرگونه ایراد و اعتراض را نسبت به مندرجات آن، محاسبه‌ها و اقدام‌های اجرایی بانک و اجرای ثبت را تا استیفای کامل حقوق بانک و ایفای تعهدات و دیون موضوع قرارداد از خود سلب و اسقاط کرد». بر اساس مطالعه نظریه‌ور و ملاکریمی (۱۳۹۴)، این ماده به طور کامل تحمیل بر مشتری است و به نظر می‌رسد این تحمیل بر عموم گیرندگان تسهیلات منصفانه و عادلانه نباشد. مشتری باید نسبت به اشتباه‌های احتمالی که ممکن است در محاسبه‌ها و اقدام‌های اجرایی رخ دهد، حق اعتراض داشته باشد. احراز تخلف مشتری نیز باید به وسیله نهادی غیر از بانک صورت گیرد.

بر اساس مطالعه مرادی و کریمی (۱۳۹۶)، نیز شرط عدم مسئولیت در عقد مضاربه با توجه به تجویز قانون مدنی در ماده ۵۵۸ و اجماع فقها، در قالب عقد خارج لازم بدون اشکال به نظر می‌رسد؛ هرچند با نظریه شروط تحمیلی، می‌توان تردیدهایی در خصوص صحت آن مطرح نمود؛ از این رو بانک‌ها در این زمینه در قالب عقد صلح ضمان مضارب را شرط می‌کنند. برخلاف عقد مضاربه، شروط عدم مسئولیت بانک‌ها در زیان احتمالی حاصل از مشارکت در قرارداد مشارکت مدنی، به نظر مشهور فقها از مصادیق شروط خلاف مقتضا و ماهیت عقد مشارکت می‌باشد.

ملاکریمی و راغبی (۱۳۹۸)، نیز بیان نموده‌اند که "در رابطه با موافقت یا مخالفت شروط ضمنی در قراردادهای مشارکتی بانک مرکزی ج.ا.ا. دو رویکرد فقهی وجود دارد. بر اساس رویکرد نخست این شروط از جمله ماده ۱۱ قرارداد مشارکت مدنی بانک مرکزی، ماده ۸ قرارداد مضاربه و مجموعه شروط مندرج در عقود مشارکتی، با از بین بردن مضمون و مفهوم حقیقی قرارداد، وقوع عرفی آن را مخدوش می‌نماید؛ به نحوی که دیگر عرف این عقود را مشارکتی نمی‌داند؛ لذا این شروط خلاف مقتضای عقد محسوب می‌شوند؛ اما رویکرد فقهی دوم، از صحت این شروط و موافقت آن با

مقتضای عقود مشارکتی دفاع می‌کند هر چند درج این شروط را منافی کارکرد و اهداف واقعی عقود مشارکتی می‌داند و از این جهت به آن اشکال وارد می‌کند.^{۱۳۹۷} بر اساس مطالعه شاکری و توکلی (۱۳۹۷)، نیز انتقال ریسک سرمایه به فرد دیگر، موجب از بین رفتن ماهیت عقود مشارکتی است؛ لذا شرط آن در ضمن عقود مشارکتی شرط خلاف مقتضای عقد است و عقد را باطل می‌کند. همین‌طور از بین بردن ریسک عامل در عقود مشارکتی و تعیین عایدی قطعی برای او، موجب بطلان عقد و تبدیل آن به یک عقد مبادله‌ای است. قطعی بودن سود صاحب سرمایه در عقود مشارکتی نیز باعث خروج عقد از مقتضای ذات خود بوده و مبطل عقد است.

۳-۱-۴. عدم محاسبه سود و خسارت تاخیر وجوه پرداختی از سوی گیرنده تسهیلات و دیگر متعهدین با فرمول قانونی توسط بانک‌ها

بی شک مهم‌ترین شاخص بازار پول، نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی است. در خصوص نرخ سود سپرده‌های بانکی سال‌هاست که بانک مرکزی با ابلاغ بخشنامه‌هایی به بانک‌ها و موسسات اعتباری، سقف نرخ سود در سپرده‌های مدت دار را تعیین می‌کند، در خصوص نرخ سود تسهیلات نیز به تبع تعیین نرخ سود سپرده، تصمیم‌گیری می‌شود و معمولاً یک فاصله سه درصدی بین سپرده‌های یک ساله و نرخ سود تسهیلات عقود مشارکتی و غیرمشارکتی وجود دارد. اما فرمول تعیین نرخ سود تسهیلات و محاسبه اقساط و دیرکرد معوقات بانکی، همواره مورد ابهام قرار گرفته است. به گفته بسیاری از کارشناسان و فعالان بانکی و حسابداری فرمول محاسبه نرخ سود یک فرمول ساده ریاضی است که در تمام دنیا ثابت بوده است. اما در حال حاضر، اضافه کردن قیدها و محدودیت‌هایی باعث شده که کمی محاسبه نرخ سود تسهیلات و نحوه بازپرداخت اقساط در بانک‌ها متفاوت باشد.

از این رو یکی از مسائل مهمی که درباره محاسبه سود بانکی وجود دارد، روشی است که برای محاسبه نرخ سود تسهیلات در دریافت‌ها و پرداخت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای چنین محاسبه‌ای روش‌های مختلفی وجود دارد و هر یک از روش‌های محاسبه، دارای محاسن و معایبی است. یک گزارش در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی روش جدید محاسبه نرخ سود بانکی» این روش‌ها را بررسی کرده است و معایب و مزایای هر روش را در سیستم بانکی تشریح کرده است. بر اساس این گزارش اگر دریافت‌ها، بر اساس روش ساده محاسبه شود، در تسهیلات با دوره بیش از دو سال، کل سود دریافتی از گیرنده تسهیلات کمتر از سودی خواهد بود که بر اساس روش مرکب محاسبه می‌شود. اما این روش در نهایت ممکن است مسائلی را در رابطه با نهاد مالی اعطاکننده تسهیلات به وجود آورد. عکس این موضوع زمانی است که روش

مرکب مورد استفاده قرار گیرد. در آن صورت سود دریافتی نسبت به روش قبلی بیشتر خواهد بود و برای بانک‌ها محاسنی دارد، ولی برای متقاضیان تسهیلات نیز معایبی را به همراه می‌آورد^۱.

۳-۱-۵. عدم تنظیم مناسب قراردادهای ثانویه بین طرفین بابت تمدید بعد از قرارداد

اولیه و در راستای استمهال یا پرداخت تسهیلات مجدد جهت وصول تسهیلات قبلی
بر اساس مطالعه کریمی و همکاران (۱۳۹۷)، با توجه به اینکه برخلاف عقود مبادله‌ای در قراردادهای مشارکتی نرخ سود توسط بانک مرکزی تعیین نمی‌گردد و فقط هر ساله حداقل نرخ سود مورد انتظار جهت انعقاد این قراردادها تصویب و ابلاغ می‌شود؛ بانک‌ها جهت کسب سود بیشتر مبادرت به اعطای تسهیلات در قالب این نوع قرارداد با هر نرخ سودی می‌نمایند. صرف نظر از صحیح بودن این اقدام بانک‌ها، متأسفانه در صورت عدم پرداخت اقساط تسهیلات، بانک به جای امهال بدهی مشتری یا تمدید مهلت بازپرداخت، مبادرت به اعطای تسهیلات جدیدی به مشتری در قالب عقد مشارکت که میزان آن معادل جمع مبلغ اصل، سود و خسارت تاخیر تسهیلات قبلی می‌باشد؛ نموده و بلافاصله با برداشت وجوه واریزی تسهیلات قبلی را تسویه می‌کند. تحلیل‌های مختلفی در مورد صحت عقد مشارکت فوق در محاکم دادگستری مطرح گردیده که با بررسی دیدگاه‌های قضایی و آراء محاکم خواهیم دید نظری که قرارداد را به جهت عدم وجود قصد باطل دانسته و به علت تسویه نشدن تسهیلات اولیه، بانک را مستحق دریافت طلب خود بر اساس آن قرارداد می‌داند، پذیرفته می‌باشد. برای رفع این مشکل دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری مصوب مرداد ۱۳۹۸ که از ابتدای سال ۱۳۹۹ لازم الاجرا شده است، ابلاغ شده است. در ماده ۱۶ این دستورالعمل داریم "در مشارکت مدنی، تبدیل قرارداد از طریق عقود تسهیلاتی فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف و خرید دین مجاز است". در ماده ۱۷ داریم "امهال تسهیلات اعطایی در قالب عقد مضاربه با استفاده از تبدیل قرارداد از طریق عقود تسهیلاتی فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف و خرید دین مجاز است" و امهال تسهیلات اعطایی در قالب عقد مضاربه از طریق عقد تسهیلاتی فروش اقساطی در صورتی مجاز است که عین مال/کالای موضوع قرارداد موجود بوده و حصول انتفاع از اموال و کالا در آینده ممکن باشد. از این رو امکان تمدید قرارداد مشارکت مدنی در قالب مشارکت مدنی امکان پذیر نمی‌باشد. موضوعی که در تمدید قردادها باید به آن توجه نمود.

۱. در نظام بانکی ایران، سود به روش مرکب محاسبه می‌شود، اما بعد از پیروزی انقلاب، ابتدا روش ساده به تأیید مراجع قانونی رسید و از سال ۱۳۵۸ تاکنون بر اساس آن عمل می‌شد. اما در سال ۱۳۸۶ بر اساس بخشنامه ابلاغی بانک مرکزی روش مرکب مجدداً جایگزین آن شد. اما باید توجه نمود که براساس بخشنامه شماره م/ب/۱۵۲۱ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۸ بانک مرکزی، فرمول سود مرکب برای عقود با بازدهی معین با بازپرداخت ماهیانه ابلاغ شده است و نه عقود مشارکتی. از این رو اگر فرمول استفاده شده توسط بانک برای محاسبه میزان سود تسهیلات عقود مشارکتی، فرمول جهانی (مرکب) باشد، محل اشکال خواهد بود.

۳-۱-۶. عدم هماهنگی با ضامنین قراردادهای در تمدید قراردادهای و تمدید قرارداد بدون اطلاع ضامنین

یکی از شرایطی که بانک‌ها و موسسات اعتباری برای دریافت کنندگان وام و تسهیلات وضع نموده‌اند، داشتن ضامن در کنار دیگر مدارک است. در واقع ضامن به شخصی گفته می‌شود که با ارائه ی مدارک لازم به بانک یا موسسات، ضمانت فرد وام‌گیرنده را برعهده می‌گیرد و تعهد می‌کند که اقساط وام، از سوی وام‌گیرنده یا از سوی خودش، تمام و کمال پرداخت گردد. بعضاً مشاهده می‌گردد سیستم بانکی نسبت به تمدید قراردادهای یا انعقاد قرارداد جدید با پشتوانه ضمانتنامه‌های قبلی اقدام می‌نمایند. ولی باید توجه شود که عدم هماهنگی با ضامنین قراردادهای در تمدید قراردادهای و تمدید قرارداد بدون اطلاع ضامنین بطلان قراردادهای جدید را به همراه خواهد داشت.

۳-۱-۷. عدم مشخص نمودن دقیق موضوع قراردادهای در متن قرارداد و در نتیجه عدم تحقق موضوع قرارداد

آنچه که در اعطای تسهیلات باید همواره مطمع نظر قرار گیرد مشخص بودن موضوع تسهیلات است از این رو لازم است که در انعقاد هر قراردادی حتماً موضوع معینی لحاظ گردد و چنانچه قراردادی فی مابین بانک و مشتری منعقد گردد و مشخص گردد که فاقد موضوع بوده است این قرارداد باطل و امکان ابطال آن وجود دارد. همچنین چنانچه اثبات گردد، موضوعی که بدان جهت، قرارداد بانکی منعقد گردیده است محقق نشده است امکان ابطال قرارداد بانکی وجود دارد.

۳-۱-۸. عدم تسلیم نسخه دوم قراردادهای به تسهیلات‌گیرنده

هر قراردادی ماده‌ها و بندها و تبصره‌های خودش را دارد اما پایان تمام قراردادهای یک ماده‌ی مشترک دارد. در این ماده نوشته می‌شود که این قرارداد شامل چند ماده و تبصره بوده و در چند نسخه تنظیم شده و در اختیار چه کسانی قرار گرفته است. طبیعتاً هر قراردادی حداقل در دو نسخه تنظیم می‌شود تا هر یک از طرفین و امضاکنندگان یک نسخه از آن را داشته باشند. مسلماً داشتن نسخه‌ای از قرارداد در جهت احقاق حقوق اشخاص و مشتریان بانکی در بانک و یا موسسه مالی اعتباری و هم چنین طرح نحوه دعوا در محاکم دادگستری بسیار موثر می‌باشد. از این رو در بخشنامه‌های متعدد بانک مرکزی، ضرورت ارائه نسخه‌ای از قرارداد اعطای تسهیلات دارای ارزش قانونی یکسان با سایر نسخ قرارداد، به تسهیلات‌گیرنده/وثیقه‌گذار/ضامن مورد تصریح قرار گرفت. علی‌رغم این، وفق گزارش‌های نظارتی واصله و بررسی‌های صورت گرفته، همچنان برخی بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی از اعطای نسخه‌ای از قراردادهای تسهیلاتی به تسهیلات‌گیرنده/وثیقه‌گذار/ضامن خودداری می‌کنند. با توجه به اینکه بانک‌ها و موسسات اعتباری موظف هستند مصوبات شورای پول و اعتبار و بخشنامه‌های بانک مرکزی مبنی بر لزوم در اختیار قرار دادن نسخه‌ای از

قراردادهای تسهیلات بانکی به تسهیلات‌گیرنده/ وثیقه‌گذار/ ضامن را رعایت کنند، عدم اجرای این موضوع، قرارداد را مخدوش خواهد نمود.

۳-۱-۹. عدم تکمیل متن قرارداد به صورت کامل

یکی از موضوعاتی که در مباحث حقوق بانکی، باید به آن توجه خاص و ویژه داشت، بحث چگونگی تنظیم و تکمیل قراردادهای اعطای تسهیلات می‌باشد. فارغ از اینکه نوع قرارداد پرداخت تسهیلات چه باشد اعم از مشارکت مدنی، مضاربه و ... تنظیم قراردادهای موصوف دارای مشترکات و کلیات یکسانی است که در نگارش و یا تکمیل آنها باید لحاظ شود. از آنجایی که این امر توسط کارمندان بانک‌ها صورت می‌گیرد، لزوم آموزش تخصصی به نامبردگان از اهمیت زیادی برخوردار است. علیرغم اینکه قراردادهای موضوع بحث غالباً به صورت فرم‌های چاپ شده می‌باشد و قسمت‌های سفید آن در خصوص مشخصات دریافت کنندگان وام، مبلغ دریافتی، نرخ سود و جریمه متعلقه، مشخصات ضامنین و ... توسط متصدیان بانک‌ها تکمیل می‌گردد، باید بدانیم که در بسیاری از موارد بی دقتی و سهل انگاری متصدی این امر، مشکلاتی را پیش می‌آورد که مسئولیت مدنی کارمند موصوف را فراهم می‌نماید.

نکته دیگر اینکه فارغ از ایجاد مسئولیت مدنی ذکر شده، عدم رعایت الزامات تنظیم و تکمیل قراردادهای، می‌تواند این فرصت را برای بدهکاران بانکی فراهم نماید تا با استناد به آن، دعوی ابطال قرارداد را مطرح و بانک را با چالش جدید مواجه سازد. از سوی دیگر عدم درج دقیق و یا کامل اطلاعات وام‌گیرنده و ضامنین آنها، بانک‌ها را در مرحله وصول مطالبات به ویژه از طریق اجرای ثبت با مشکلات زیادی مواجه می‌سازد. بارها اتفاق افتاده که در مرحله تقاضای صدور اجرائیه نسبت به قراردادهای داخلی بانک‌ها، به دلیل نقص امضا، عدم تطابق امضا، مشخصات و ... این امر با مشکل روبه‌رو شده است.

۳-۱-۱۰. عدم تعیین نحوه تصفیه و تسویه حساب مشارکت مدنی

بر اساس دستورالعمل اجرائی مشارکت مدنی، بانک‌ها مکلفند در قرارداد مشارکت مدنی نحوه تصفیه و تسویه قرارداد مشارکت را قید نمایند. موضوعی که در تنظیم قراردادها باید به آن توجه نمود در غیر این صورت امکان ابطال قرارداد بانکی وجود دارد.

۳-۱-۱۱. عدم مشخص نمودن دقیق مدت قرارداد

بر اساس ماده ۱۰ دستورالعمل اجرائی مشارکت مدنی، بانک‌ها در صورتی مجاز به مشارکت مدنی می‌باشند که موضوع این قبیل مشارکت‌ها حداقل ظرف یکسال خاتمه پذیرفته و ظرف همین مدت قابل تصفیه باشد. همچنین در تبصره ۱ این ماده تاکید شده است که در مواردی که مشارکت مدنی برای امور تولیدی، صنعتی، معدنی، کشاورزی احداث مسکن و ساختمان و همچنین برای امور طرح‌های جدید خدماتی صورت می‌پذیرد حداکثر مدت ۳ سال تعیین می‌گردد. در موارد استثنائی

بانک مرکزی می‌تواند مدت مذکور را افزایش دهد. البته در اصلاحیه این ماده از دستور العمل آمده است:

ماده ۱۰ - مدت قرارداد مشارکت مدنی باتوجه به اقتضای فعالیت و موضوع قرارداد به تشخیص بانک‌ها و موافقت شریک، در ابتدای قرارداد تعیین می‌گردد.

تبصره ۱- در صورت لزوم و وجود توجیهات کافی و در صورتی که طرح در پایان مدت قرارداد به اتمام نرسیده باشد، قرارداد مشارکت مدنی، مشروط به تصویب هیات مدیره بانک ذیربط قابل تمدید است.

تبصره ۲ - فروش اقساطی سهم شرکت‌ها در مشارکت‌های مدنی موضوع تبصره ۱ در زمان خاتمه قرارداد مجاز می‌باشند.

لذا ضروری است این موضوع در عقد قرار دادها مورد توجه قرار گیرد.

۳-۱-۱۲. عدم رعایت ترتیب زمانی دین و رهن

به لحاظ حقوقی اول باید دین باشد بعد رهن، ولی در عقد مشارکت ابتدا رهن و پس از آن دین (بدهی) ایجاد می‌شود. لذا در مشارکت مدنی ترتیب صحیح بین دین و رهن از نظر حقوقی رعایت نمی‌شود. این موضوع می‌تواند سبب بطلان قرارداد در محاکم قضایی گردد.

۳-۲. چالش‌های به کارگیری و اجرای عقود مشارکتی در ایران

در این بخش براساس مطالعات کتابخانه‌ای عوامل تاثیرگذار بر اجرای قراردادهای عقود مشارکتی در سیستم بانکی، شناسایی شده است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۳-۲-۱. تاکید بیش از اندازه بر اعتماد متقابل

ساختار پیش‌بینی شده در قانون در بانکداری بدون ربا براساس شراکت، نیابت، وکالت و امانت است یعنی ساختاری که اعتماد متقابل طرفین به یکدیگر شرط اصلی موفقیت چنین سیستمی است. تا زمانی که شرایط لازم برای ایجاد چنین اعتمادی فراهم نشده این مفاهیم جز الفاظ صوری و خالی از محتوی نقش دیگری نمی‌توانند داشته باشد. به عبارت دیگر در مواردی متقاضیان تسهیلات بانکی که به طور عمده نیز بنگاه‌های اقتصادی هستند، به تعامل واقعی با بانک در قالب اجرای درست عقود مشارکتی تمایلی ندارند. آنها در صورت شراکت با بانک، مجبور خواهند بود که از یک طرف حساب خود را به بانک برای کنترل وجوه و سرانجام تقسیم سود یا زیان ارائه دهند و از طرف دیگر ارائه صورتهای مالی واقعی باعث می‌شود اولاً، سازمان‌های مالیاتی از سود واقعی بنگاه مطلع شوند؛ ثانیاً، در صورتی که سود واقعی فعالیت قابل توجه باشد باید سود بیشتری نسبت به حالت عقود با بازدهی ثابت به بانک پرداخت کنند که این امر باعث می‌شود مدیر طرح یا بنگاه را زیانده نشان دهد یا سود واقعی را کمتر اعلام کند؛ بنابراین ترس مشتریان تسهیلات یا مجریان

طرح‌ها از ارائه صورت‌های مالی شفاف را می‌توان یکی دیگر از چالش‌های نظام بانکی در اجرای عقود مشارکتی به صورت واقعی برشمرد. این مورد را می‌توان ذیل عنوان کلی مشکل خطر اخلاقی و اطلاعات نامتقارن در ادبیات رایج کلاسیک نیز در مطالعه دیگری به بحث گذاشت. هزینه بر بودن فرایند نظارت از جهت هزینه‌های کارشناسی، احتمال تبانی بین کارشناس ناظر و مدیر طرح، شفاف نبودن شاخص‌های نظارت و نگرانی شریک درباره افشای اطلاعات به علت ترس از امکان بروز سوء استفاده‌های احتمالی در بعضی موارد را می‌توان از دیگر مشکل‌های نظام بانکی در نظارت بر قراردادهای مشارکتی دانست. این موضوع در مطالعه عبدالهی (۱۳۹۰)، نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۲-۲. بالابودن ریسک اعتباری مشتریان

در عقود مشارکتی برخلاف عقود مبادله‌ای که بر اساس نرخ سود معین و دریافت وثیقه از گیرنده تسهیلات انجام می‌گیرد، نرخ سود نامعین است، بنابراین قراردادهای مشارکتی از دو جهت ریسک اعتباری بانک‌ها را افزایش می‌دهد.

الف: انتخاب معکوس: متقاضیان بسیاری خواهان استفاده از تسهیلات بانکی هستند؛ بنابراین بانک به ارزیابی پروژه، با توجه به محدودیت منابع و انتخاب کم ریسک‌ترین و سودآورترین طرح اقدام می‌کند. اگر متقاضی توانایی‌ها و سوابق کاری خود را پنهان کند و طرح به اشتباه برای تأمین مالی انتخاب شود، بانک سود لازم را کسب نخواهد کرد. این مشکل عامل بالقوه‌ای است که در مرحله تصمیم‌گیری و پیش از عقد قرارداد بر ریسک اعتباری بانک اثر می‌گذارد.

ب: خطر اخلاقی: این مشکل مربوط به بعد از قرارداد و در انتهای فعالیت شرکت است. زمانی که گیرنده تسهیلات، فعالیت و عملکرد طرح را پنهان می‌کند، ممکن است دریافت‌کننده تسهیلات پس به کارگیری سرمایه در فعالیت‌های سودآور و حاصل شدن بازده، به انگیزه طلب سود بیشتر یا زیان کمتر، از افشای دقیق سود تحقق‌یافته بپرهیزد. این مشکل افزون بر افزایش ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی را افزایش می‌دهد و بر سود سپرده‌گذاران اثر منفی خواهد داشت. این دو خطر ناشی از اطلاعات نامتقارن است؛ به این معنا که سطح اطلاعات بانک و سرمایه‌گذار نسبت به پروژه و بازدهی آن یکسان نیست. بر اساس مطالعه سید نورانی و همکاران (۱۳۹۸)، اعطای تسهیلات در قالب عقود مبادله‌ای و مشارکتی به دلیل بروز مشکلاتی مانند مخاطره اخلاقی و انتخاب بد که به دنبال اطلاعات نامتقارن رخ می‌دهد، سبب می‌شود که متقاضیان به سندسازی روی آورده و تسهیلات را در جایی غیر از موردی که باید استفاده کنند، مصرف کنند؛ که این امر به انحراف تسهیلات منجر می‌شود. این موضوع در مطالعه قوامی (۱۳۹۶)، نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۲-۳. هزینه‌های بالای ارزیابی و نظارت

اجرای عقود مشارکتی به معنای ورود به همه مراحل اجرای یک پروژه شامل انجام مطالعات امکان‌سنجی، تأمین منابع مالی، خرید تجهیزات، ساخت پروژه و بهره‌برداری از آن است و این امر بانک را به یک شریک سرمایه‌گذاری تبدیل می‌کند. لذا در قانون عملیات بانکداری بدون ربا عملاً بانک در بخش واقعی اقتصاد وارد می‌شود و نیاز به ساختار مناسب این بخش دارد. این هدف نیازمند تشکیلاتی است که در تهیه چنین طرح‌هایی مشارکت داشته یا بتواند نسبت به ارزیابی آن اقدام کند و در هر حال بر جریان کار نظارت مستمر داشته باشد. این موضوع در عقدهای مشارکتی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. از آنجا که بانک در عقدهای مشارکتی در جایگاه شریک غیرعامل در طرح‌های اقتصادی مشارکت دارد و بطور مستقیم در پروژه مشارکت ندارد، لازم است که ناظرانی از طرف بانک بر حسن اجرای طرح‌ها در جهت پدیدساختن سودآوری آن‌ها و تأیید صحت و دقت در سود تحقق یافته، نظارت داشته باشند. با توجه به تعداد فراوان قراردادهای مشارکتی، تعیین یک ناظر از طرف بانک برای هر پروژه بسیار دشوار است. به عبارت دیگر لزوم نظارت و دخالت در فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه استفاده گسترده از ناظران، موجب افزایش هزینه‌های بانک خواهد شد (عبداللهی، ۱۳۹۰).

۳-۲-۴. پیچیدگی تفسیر قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به عملیات بانکی

با حذف بهره از عملیات بانکی، طراحان بانکداری بدون ربا به فکر استفاده از راه‌های مجاز در فقه اسلامی افتادند و در این رابطه با دو مشکل اساسی مواجه شدند. از طرفی به منظور تأمین اصل فراگیربودن معاملات بانکی می‌خواستند قوانین بانک را چنان تنظیم کنند که تمام انگیزه‌های سپرده‌گذاری و تمام انواع تقاضاهای تسهیلات بانکی را جوابگو باشند و از طرف دیگر، می‌دیدند که بسیاری از عقود شرعی با یک سری محدودیت‌های ذاتی مواجهند و این امر موجب شد که عقود متعدد و متنوعی وارد قانون عملیات بانکی بدون ربا گردد. در نتیجه بنا به اذعان متخصصین بانکی، تعدد عقود بانکی از یک طرف و محدودیت‌های شرعی هر یک از عقود از طرف دیگر و مراعات سیاست‌های کلی نظام از طرف سوم دست به دست هم داده و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های پیچیده‌ای مخصوصاً در اجرای عقود مشارکتی را به وجود آورده‌اند که فهم آن نه تنها برای مشتریان بلکه برای بسیاری از کارکنان بانک نیز مشکل است. بر اساس مطالعه مختاری (۱۳۹۵)، از نظر خبرگان و مدیران، پیچیده‌بودن قوانین و مقررات مربوط به شناسایی ماهیت و دستورالعمل‌های مرتبط در عقد مضاربه بیشترین میزان و تاثیرگذاری را برای اجرای صحیح عقود مضاربه در چارچوب قانون عملیات بانکداری بدون ربا دارد.

۳-۲-۵. گستردگی حوزه فعالیت مدیران سیستم بانکی و نیار به تخصص و دانش بالا

این موضوع مهمترین و مؤثرترین عنصر در اجرای صحیح عقود است. اجرای صحیح عقود مستلزم تحلیل و انتخاب صحیح پروژه‌های سرمایه‌گذاری، نظارت و مدیریت مستمر بر روند اجرای پروژه‌ها، و در نهایت محاسبه و تعیین سود واقعی مشارکت است که هرکدام از این مراحل نیازمند دانش و

تخصص مرتبط می‌باشد. از طرف دیگر سهمین شدن واقعی بانک‌ها در زیان احتمالی حاصل از مشارکت، مستلزم همراهی نزدیک با طرح‌های مشارکتی است. همچنین ضعف بانک‌ها در بهره‌گیری گسترده از متخصصان فنی در حوزه‌های متنوع کاری و صنایع گوناگون باعث می‌شود که کارشناسان بانکی در تشخیص فنی موضوع و زمینه مورد مشارکت با مشکل روبه‌رو شوند. ریسک‌های فنی که به طور عموم فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی صنعتی دارند، اقتضا می‌کند که بانک‌ها در جهت اجرای عقد مشارکت با بهره‌گیری از متخصصان و مهندسان این حوزه از فعالیت‌ها، از بروز این ریسک‌ها که می‌تواند در دوره‌های زمانی احداث، بهره‌برداری و توسعه خطوط تولیدی اتفاق بیفتد، جلوگیری کند؛ اما آنچه اکنون از عملکرد و تعامل نظام بانکی پیدا است، نمود ناتوانی تشخیصی مناسب در بخش فنی است. اجرای صحیح عقود مضاربه نیز مستلزم تحلیل و انتخاب صحیح پروژه‌های سرمایه‌گذاری، نظارت و مدیریت مستمر بر روند اجرای پروژه‌ها و در نهایت محاسبه و تعیین سود واقعی مشارکت است که هرکدام از این مراحل نیازمند دانش و تخصص مرتبط می‌باشد، اما به دلیل سطح پایین تخصص و دانش در مدیران این عامل در اجرای صحیح عقود مضاربه تاثیر بسزایی دارد (مختاری، ۱۳۹۵).

۳-۲-۶. بالا نبودن سطح آگاهی مشتریان بانکی از فرایندها و قوانین شرعی و مدنی حاکم بر اجرای عقود مشارکتی

عدم اطلاع مشتری و کارگزاران بانک از محتویات اوراقی که امضاء می‌کنند می‌تواند موجب بطلان معامله و حرام بودن آن گردد. متأسفانه در زمان شروع بانکداری بدون ربا، آموزش هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی کافی نبود؛ بعدها نیز امکانات کافی و در حد لزوم برای آن فراهم نشد. نتیجه آن این شد که نه کارکنان بانکی می‌دانستند که چه باید بکنند و نه مراجعان اطلاع چندانی از مقررات داشتند. روشن است تا شخص علم به شرایط معامله نداشته باشد، قصد معامله نمی‌آید و تا قصد معامله نیاید، معامله باطل است و اثرات حقوقی قرارداد را نخواهد داشت. مثلاً اغلب مشاهده می‌شود که مفهوم «سود مورد انتظار» را معادل «از قبل تعیین شده» در نظر می‌گیرند و همین تلقی را به مشتریان سرایت می‌دهند. در حالی که پیش‌بینی سود به عنوان ملاک و شاخصی برای محاسبات ابتدایی بانک ممکن است توجیه‌پذیر باشد، ولی به عنوان تعیین سود برای محاسبه نهایی با ماهیت عقد مضاربه منطبق نیست و نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا سود در عقود مشارکتی پس از انجام کار و تحویل سود قابل تعیین است.

۳-۲-۷. عملکرد بانک مرکزی در حوزه سیاست‌گذاری پولی و اعتباری

اولویت‌های اعطای تسهیلات و اعتبارات بانکی اعلامی از جانب بسته سیاستی بانک مرکزی، تأثیر بسزایی بر رونق یا رکود هر یک از عقود دارد، لذا تخصیص مانده تسهیلات بانکی به بخش‌های مختلف اقتصادی و تعیین سقف تسهیلات در هر بخش، به گرایش یا عدم استقبال مشتریان بانک به

عقود مختلف من جمله مضاربه منجر می‌شود. همچنین بر اساس مطالعه مختاری (۱۳۹۵)، نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های بانکی و همچنین نرخ سود عقود مبادله‌ای اعلام شده از آن جهت که وقتی این نرخ بالا باشد، منتج به اقبال بانک به اعطای تسهیلات در قالب این عقود شده و در مواقعی که پایین اعلام گردد، منجر به تمایل بانک‌ها به جایگزینی عقود مشارکتی با نرخ سود بالاتر شده که عمدتاً بانک‌ها و مشتریان را وادار به استفاده از شکلی از نام عقود مشارکتی جهت اعطای تسهیلات با نرخ بالاتر می‌نماید. از این رو نحوه سیاست‌گذاری پولی و اعتباری توسط بانک مرکزی بر اجرای قراردادهای مشارکتی موثر خواهد بود.

۳-۲-۸. بی‌ثباتی اقتصاد کلان و بالا بودن عدم اطمینان در اقتصاد

نفس بی‌ثباتی در اقتصاد کلان، یک عامل ضد رشد است. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که بی‌ثباتی در محیط اقتصاد کلان موجب افت سرمایه‌گذاری، کاهش نرخ رشد اقتصادی، اقبال کمتر به آموزش، وخیم شدن توزیع درآمد و افزایش فقر می‌شود. همچنین بی‌ثباتی اقتصاد کلان موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی نسبت به تحولات آینده خواهد شد و در نتیجه آن فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفافی از آینده ترسیم نمایند. این امر به خصوص بر سرمایه‌گذاری تاثیر منفی خواهد گذارد. از این رو ثبات اقتصاد کلان از طریق کاهش قابل توجه نااطمینانی و پیشبرد برنامه‌ریزی بلند مدت، کمک زیادی به رشد واقعی اقتصاد می‌نماید.

در تعریف محیط باثبات اقتصاد کلان چند متغیر اساسی در کانون توجه بوده و بر آنها تاکید می‌شود. این متغیرهای اساسی که وضعیت آنها میزان بی‌ثباتی یا پیشرفت به سمت ثبات اقتصاد کلان را تعیین و تصریح می‌نماید، عبارتند از: نرخ تورم، کسری بودجه، نرخ ارز و رابطه مبادله. نرخ تورم (افزایش مستمر در شاخص قیمت‌ها) را می‌توان به عنوان مهمترین شاخص بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی قلمداد نمود. نرخ تورم بالا و نوسانات آن هزینه‌های زیادی را بر اقتصاد کشور تحمیل می‌نماید، به خصوص اینکه در نرخ‌های تورم بالاتر، نوسانات نرخ تورم نیز بیشتر می‌شود. از مهم‌ترین هزینه‌های تورم بالا و بی‌ثبات می‌توان به کاهش نرخ رشد اقتصادی و به تبع آن کاهش سطح رفاه عمومی از یک طرف و تغییر توزیع درآمد، ثروت و رفاه به زیان اقشار کم‌درآمد جامعه از طرف دیگر اشاره نمود.

تورم بالا و بی‌ثبات موجب اختلال در شناسایی قیمت‌های نسبی توسط فعالان اقتصادی می‌شود؛ چرا که در فرآیند تورمی، قیمت تمامی کالاها به یک نسبت افزایش نمی‌یابد و در نتیجه فعالان اقتصادی نمی‌توانند تغییرات قیمت‌های نسبی را از تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها به خوبی تفکیک نمایند. این اختلال در شناسایی قیمت‌های نسبی موجب کاهش قدرت علامت‌دهی قیمت‌ها و در نتیجه اختلال در تخصیص بهینه منابع می‌گردد. البته هرچه نوسانات نرخ تورم بیشتر باشد، این اختلال در سیستم قیمت‌ها نیز تشدید می‌گردد.

تورم بالا و بی‌ثبات موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی نسبت به تحولات آینده خواهد شد و در نتیجه آن فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفافی از آینده ترسیم نمایند. این امر به خصوص بر سرمایه‌گذاری تاثیر منفی خواهد گذارد.

یکی دیگر از مهم‌ترین متغیرهای اساسی و تأثیرگذار بر شاخص‌های اقتصاد کلان یک کشور، نرخ برابری ارز در مقابل پول ملی است. از این رو نباید متغیر کلیدی نرخ ارز را در معرض بی‌ثباتی و نااطمینانی قرار داد، بلکه باید با ایجاد سیاست‌های تأثیرگذار بر بخش حقیقی و تقویت‌کننده طرف عرضه و افزایش‌دهنده رقابت‌پذیری اقتصاد، زمینه‌های ثبات پول ملی و نرخ ارز را فراهم کرد و از ایجاد بی‌ثباتی و نااطمینانی در مورد نرخ ارز جداً اجتناب نمود. بی‌ثبات کردن این متغیر کلیدی و افزایش نااطمینانی در مورد آن بدون ایجاد بسترهای لازم و بدون پرداختن به اصلاح بخش واقعی، تماماً به نتایج معکوس و نامطلوبی منجر و منتهی خواهد شد. افزایش نرخ ارز، با توجه به شرایط اقتصاد ایران، مسئله ساده‌ای نیست که تنها واردات را کاهش و صادرات را افزایش دهد. با توجه به وابستگی تولید کشور به واردات مواد اولیه و واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای این عمل هزینه تولید را افزایش داده و می‌تواند از این طریق اثری منفی بر صادرات داشته باشد. علاوه بر این، افزایش نرخ ارز، با توجه به تجربه کشور، ممکن است انتظارات تورمی و به تبع آن، افزایش نرخ تورم را در پی داشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد بهترین گزینه موجود در مورد نرخ ارز برای حمایت از کالای ایرانی، ثبات نرخ ارز در کنار مدیریت واردات باشد. یکی دیگر از متغیرهای اساسی و تأثیرگذار بر شاخص‌های اقتصاد کلان یک کشور، حجم نقدینگی و میزان تغییرات آن است. بی‌ثباتی نرخ رشد حجم پول، علاوه بر بی‌ثباتی نرخ تورم، یکی از عوامل عمده بی‌ثباتی نرخ رشد اقتصادی نیز می‌باشد. به عبارت بهتر، بی‌ثباتی پولی نیز یکی از عوامل اصلی ایجاد دوره‌های تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی در ایران بوده است. بنابراین کنترل رشد نقدینگی به منظور کاهش حرکت نقدینگی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازانه و همچنین کاهش تورم و افزایش ثبات اقتصاد کلان بدیهی است. از این رو نظام پولی و بانکی به دلیل نقش تعیین‌کننده سیاست‌های پولی و اعتباری در جریان تولید و درآمد ملی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای دخالت دولت در امور اقتصادی محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که ابزار پولی و بانکی در کنار ابزارهای بودجه و برنامه، قدرت اقتصادی مهمی در اختیار دولت قرار می‌دهد و می‌تواند کل زندگی اقتصادی جامعه را تحت تأثیر قرار داده و با افزایش ثبات اقتصاد کلان، الزامات رشد و توسعه اقتصادی را ایجاد نماید. به عبارت دیگر، در این راستا نظام بانکی می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های مناسب و هماهنگ با اهداف کلان اقتصادی و به کار بردن ابزارهای کنترلی دقیق و کارا، نقدینگی را به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی هدایت کند و با افزایش ثبات اقتصادی زمینه را برای شکل‌گیری روند سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید و غیره فراهم آورد.

در صورتی که کسری بودجه در سطح معقولی باشد، نرخ تورم کم و قابل پیش‌بینی باشد (نااطمینانی تورم اندک باشد)، نرخ واقعی ارز رقابتی و نزدیک به سطح تعادلی و تراز پرداختها

مناسب رشد و توسعه اقتصادی باشد، محیط اقتصاد کلان باثبات خواهد داشت و شرایط برای حمایت از تولید کالای ایرانی فراهم خواهد گردید. (دهقان منشادی و همکاران، ۱۳۹۹).

۳-۲-۹. فقدان نظارت و کنترل اثربخش بر عملکرد بانکها

به اعتقاد همه صاحب نظران، عملیات بانکداری بدون ربا با بانکداری متعارف تفاوت‌های اساسی و فراوانی دارد. در نتیجه نیاز به نظارت پیاپی و دقیق بر مفاد شرعی و قانونی آن دارد تا قانون به صورت کامل اجرا شود. این درحالی است که در قانون فعلی بانکداری بدون ربا، روش و نهاد خاص برای نظارت و کنترل معامله‌های بانکی از جهت انطباق با شریعت دیده نشده است و طی گذشت قریب به سی سال از اجرای بانکداری بدون ربا نیز هیچگونه نظارت و کنترلی از این جهت صورت نگرفته است. بر اساس مطالعه سید نورانی و همکاران (۱۳۹۸)، انحراف تسهیلات با کمیت و کیفیت نظارت بر سیستم بانکی و خलाهای قانونی و حقوقی رابطه مستقیم دارد.

۳-۲-۱۰. نحوه تعیین و استخراج نرخ سود

برای اجرای واقعی عقد مضاربه لازم است در هر طرح و فعالیت به طور مستقل، نرخ سود یا نرخ بازده داخلی محاسبه شود و ملاک مشارکت قرار گیرد. اما چنانچه نرخ‌های سود متفاوت اعمال شود نتیجه مستقیم آن گسترش فساد مالی و اداری و افزایش ریسک عملیاتی است. از طرف دیگر سود بسیار متزلزل است و منوط است به تحقق. اگر سود تحقق پیدا نکند بانک طلبی ندارد. بر اساس مطالعه شهنازی و پناهی (۱۳۹۴)، یکی از مشکلات اجرایی بانکداری اسلامی در ایران ایجاد امکان صوری شدن قراردادهای (در هر دو دسته عقود مشارکتی و مبادله‌ای) و در نتیجه ربوی و غیراسلامی شدن فعالیت‌های اجرایی بانک است. به گونه ای که در عقود مشارکتی، هیچ مشارکت واقعی شکل نگیرد و به صورت صوری روابط طراحی شود. یا در عقود مبادله ای فاکتورسازی صوری جای ما به ازای واقعی را بگیرد. مثلاً امکان صوری شدن قراردادهای در عقود فروش اقساطی، جعاله و مشارکت مدنی بسیار بالا است. به طور قطع در چنین شرایطی امکان استخراج سود در قراردادهای مشارکتی با مشکل مواجه خواهد بود.

۳-۲-۱۱. وجود سلطه مالی در اقتصاد

سلطه مالی از مسائل مطرح در اقتصاد کشورهای در حال توسعه است، به طوری که در این کشورها معمولاً سیاست‌های پولی تحت تأثیر سیاست مالی قرار گرفته و دولت‌ها در راستای جبران کسری بودجه خود، از بانک مرکزی و سیستم بانکی استقراض می‌نمایند و بدین ترتیب مانع از اجرای سیاست‌های پولی موفق و کارآمد در کنترل تورم می‌گردند. علیرغم اینکه نماگرهای استاندارد برای شناسایی علایم سلطه مالی وجود دارد، اما در کشورهای صادرکننده نفت همانند ایران که بودجه دولت به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت وابسته بوده و متغیرهای مهم کلان اقتصادی

نیز تحت تأثیر درآمدهای نفتی قرار می‌گیرد، چنین نماگرهای استانداردی دیگر نمی‌توانند به عنوان معیار مناسبی برای شناسایی سلطه مالی قرار گیرند و سلطه مالی حتی ممکن است با وجود مازاد بودجه و سطح پایین بدهی‌های دولتی نیز وجود داشته باشد. سلطه مالی در اقتصاد ایران طی سال‌های طولانی حاکم بوده و دولت همواره به منظور تأمین مالی کسری بودجه از بانک مرکزی استقراض کرده و این امر در نهایت موجب انبساط پولی در اقتصاد شده است. لذا، می‌توان وجود سلطه مالی در اقتصاد ایران را یکی از عوامل ناکارآمدی سیاست‌های اتخاذ شده توسط مقامات پولی در کنترل تورم دانست (اصغری‌پور و همکاران، ۱۳۹۴).

همچنین بررسی لویج و قوانین بودجه سنواتی نشان می‌دهد سیاست مالی از طریق اعمال تکالیف ناکارآمد متعدد به نظام پولی و بانکی نظیر الزام به خرید درآمدهای ارزی دولت، تعیین نرخ ارز، دخالت در مصارف صندوق توسعه ملی، ایجاد خطوط اعتباری جدید، تکالیف اعتباری بر شبکه بانکی و ... موجب شده است سیاست‌گذاری پولی و ارزی توسط بانک مرکزی با ناکارایی مواجه شود و عملاً بانک مرکزی نتواند به وظایف قانونی خود عمل نماید (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۴).

در حال حاضر نیز شرایط تحریمی از یک طرف، درآمدهای ارزی کشور را با کاهش و عدم قطعیت مواجه می‌کند و از طرف دیگر، افزایش هزینه‌ها ناشی از افزایش نرخ ارز، تورم و برنامه‌های حمایتی دولت از معیشت، تولید و اشتغال، می‌تواند منجر به این امر گردد که اجرای بودجه در ساختار پیشین و مواجهه منفعلانه، امکان مقابله با چالش‌های موجود را محدود کند و کسری بودجه محتمل، منجر به دست‌اندازی به شبکه بانکی شود؛ پدیده‌ای که نتیجه محتمل آن تشدید تورم است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸).

اثر سلطه مالی بر اجرای قراردادهای مشارکتی از دو منظر قابل بررسی است. نخست سلطه مالی نهاد دولت بر بانک مرکزی که تسلط سیاست‌های مالی دولت بر سیاست‌های پولی بانک مرکزی را به همراه داشته و دوم سلطه مالی نهاد دولت بر سیستم بانکی که تعیین دستوری نرخ سود بانکی توسط دولت و در حاشیه قرارگرفتن نظام بانکی در تعیین نرخ سود و تعیین تسهیلات تکلیفی و مداخلات گسترده در تخصیص منابع نظام بانکی را به همراه داشته است.

۳-۲-۱۲. ضعف استانداردهای حسابداری در بانکداری اسلامی ایران

قانون عملیات بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ تصویب و به مورد اجرا گذاشته شده است، اما سیستم حسابداری مناسب و مورد نیاز برای ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی حاکم بر الزامات این قانون تدوین و طراحی نشده است. به نظر برخی صاحب نظران سیستم حسابداری و گزارشگری مالی مورد استفاده در نظام بانکی کشور برای انجام عملیات حسابداری قراردادهای با نرخ معین مشکلی ندارد و اجرای آنها با به کارگیری استانداردهای حسابداری مصوب سازمان حسابرسی امکان پذیر است، اما سیستم مورد عمل از قابلیت‌های لازم برای اجرای قراردادهای دارای سود نامشخص (عقود مشارکتی)، به دلیل پیچیدگی و مشکلات محاسبه سود مبتنی بر نتایج واقعی عملکرد، برخوردار نیست و به محاسبه درست سود ناشی از این عقود منجر نمی‌شود. این درحالی است که

نهاد استانداردگذار و مجامع حرفه‌ای حسابداری نیز تا کنون نسبت به ارائه راه حل و رویه‌ای مناسب و مشخص برای اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا و رعایت الزامات مورد تأکید این قانون اقدامی نکرده‌اند (باباجانی، شکرخواه (۱۳۹۱)، سهیلی‌نژاد (۱۳۹۳)، صالحی، غلامی، میثمی (۱۳۹۶)).

۳-۲-۱۳. عدم ریسک‌پذیری بانک‌ها و عدم مشارکت بانک‌ها در زیان

عقد مشارکت در ذات خود دربردارنده درجه ریسک بالایی است. اگر بانک به صورت واقعی در یک پروژه شریک شود، هرگونه خطر یا زیان عمدی و غیرعمدی که در مورد پروژه ممکن است رخ دهد، منابع بانک را تهدید می‌کند و از آنجاکه منابع بانک برای خودش نیست و متعلق به سپرده‌گذاران است و درجه ریسک‌پذیری سپرده‌گذاران معمولاً کم است، پذیرش این میزان ریسک برای بانک اساساً امکان‌پذیر نخواهد بود. دلیل اصلی تغییر شکل قراردادهای مشارکتی در نظام بانکداری نیز همین امر است؛ از آنجاکه بانک نمی‌تواند این میزان از ریسک را بپذیرد، بندهای موجود در قرارداد را طوری تغییر می‌دهد تا در حد امکان همه ریسک‌های موجود در پروژه را به مشتری منتقل کند و به دریافت سود ثابت اکتفا می‌کند.

از این رو بر اساس شرایط مندرج در این قراردادهای بانکی، نه تنها همه زیان‌های متصور بر این خرید و فروش، چه عمدی و چه سهوی، برعهده مشتری خواهد بود بلکه مشتری متعهد می‌شود به هر نحوی حتی اینکه خودش کالای مورد مضاربه را بخرد، سود مورد انتظار بانک از این قرارداد را تحقق بخشد و سهم بانک را از سود بپردازد. باز هم کاملاً آشکار است که این قرارداد با آنچه در فقه به نام مضاربه شناخته می‌شود، تفاوت زیادی دارد (طالبی و کیانی (۱۳۹۱) و شاکری و توکلی (۱۳۹۷)).

۳-۳. راهبردهای اصلاح‌کننده و بهبود دهنده عقود مشارکتی در نظام بانکی ایران

با توجه به ادبیات نظری و تجربی موجود و همچنین یافته‌های تحقیق در دو بخش قبلی، برای رفع مشکلات موجود در قراردادهای عقود مشارکتی، راهبردهای زیر جهت اجرا پیشنهاد می‌گردد:

۳-۳-۱. امکان‌پذیر نمودن استفاده از نرخ سود مورد انتظار شناور در قراردادهای بانکی

بی‌ثباتی اقتصاد کلان و بالا بودن عدم اطمینان در اقتصاد و عدم ریسک‌پذیری سیستم بانکی در قراردادهای مشارکتی، از جمله مشکلات موجود در اجرای قراردادهای مشارکتی در اقتصاد ایران معرفی گردید. یکی از راهکارهای رفع این مشکل امکان‌پذیر نمودن استفاده از نرخ سود مورد انتظار شناور در قراردادهای بانکی می‌باشد. بررسی تجربی نیز نشان می‌دهد بانک‌های دنیا برای حداکثر کردن سود خود و حداقل کردن برخی از اقلام ریسک از جمله ریسک نقدینگی و نرخ سود، این سیاست را به کار می‌گیرند (واعظ، ۱۳۹۰). بر اساس ادبیات اقتصادی، نرخ بهره شناور^۱، نرخ

^۱ . Floating interest rate

بهره‌ای است که با تغییر عواملی مانند نرخ بهره بازار، شاخص بازار سهام، نرخ تورم و ... تغییر می‌کند. این نوع نرخ بهره نقطه مقابل نرخ بهره ثابت است که در آن نرخ بهره بدهی در مدت زمان توافق شده ثابت می‌ماند. نرخ بهره شناور را می‌توان نرخ بهره متغیر یا قابل تنظیم نیز نامید. این نوع نرخ بهره برای انواع ابزارهای بدهی مانند وام، اوراق قرضه و اسناد رهنی استفاده می‌گردد. نرخ بهره شناور معمولاً تغییر در یک نرخ مرجع است (نرخ مرجع هر عاملی می‌تواند باشد مانند شاخص قیمت مصرف‌کننده، شاخص تورم، نرخ بهره بازار و ...). در بسیاری از موارد وام دهندگان تمایل دارند تا وام‌های بلند مدت را با نرخ شناور عرضه کنند و این به دلیل وجود ریسک نرخ بهره است. وام با نرخ بهره شناور تغییرات نرخ بهره را پوشش می‌دهد و برای وام گیرنده و وام دهنده این تضمین را ایجاد می‌کند که جریان‌های نقد آینده از بعضی از سطوح از پیش تعیین شده تجاوز نکند.^۱ نرخ شناور می‌تواند هم برای سپرده‌های بانکی و هم برای تسهیلات بانکی مورد استفاده قرار گیرد.

در ایران نیز بر اساس مطالعه کشاورزبان (۱۳۸۸)، نرخ سود بهینه در نظام بانکی ایران، شناور کردن تعیین آن بر اساس مبانی بانکداری بدون ربا و ارتباط آن با قدرت خرید پول (لحاظ کردن تورم) است. بر اساس این مطالعه، بهترین سناریو برای تعیین نرخ سود در نظام بانکی، "نرخ تورم به اضافه چهار درصد" استخراج گردیده است. لذا پیشنهاد می‌گردد بسترهای قانونی و اجرایی عملیاتی شدن این پیشنهاد در سیستم بانکی ایران متناسب با اقتضائات خاص آن فراهم گردد.

۳-۲-۳. استقرار سامانه شفاف‌سازی تسهیلات بانکی

طبق تعریف رانت‌جویی عبارت است از تلاش‌های قانونی (لابی‌گری) و غیرقانونی (رشوه‌دهی) فعالین سیاسی و اقتصادی جهت کسب رانت. تلاش عوامل رانت‌جو جهت بهره‌برداری از فرصت‌های بالقوه کسب منفعت از سیستم بانکی به عنوان منبع عظیم رانت، موجب نفوذ گسترده آنان به انحصار متفاوت در نظام بانکی و تغییر قواعد بازی و ساختار سازمانی نظام بانکی در جهت تأمین منافع عوامل سیاسی و اقتصادی رانت‌جو می‌گردد که در نتیجه آن اقتدار بانک مرکزی بیش از پیش کاهش و در نهایت چارچوب نهادی- ساختاری طی فرآیند زمانی به سمت ناکارایی و تشویق بیشتر فعالیت‌های رانت‌جویی نامولد نسبت به فعالیت‌های اقتصادی مولد سوق می‌یابد. تحت چنین شرایطی دستیابی به چرخه رانت، نسبت به کارایی تولید اهمیت بیشتری می‌یابد. با توجه به مطالعات موجود، تمایلات رانت‌جویانه و ضدتولیدی، رفتار اقتصادی را تغییر داده و تصمیم‌گیری‌ها و

۱. به عنوان مثال، یک مشتری یک میلیون ریال وام برای یک دوره سه ساله از بانک می‌گیرد. نرخ وام سال اول برابر با "نرخ تورم به اضافه چهار درصد" است. در زمان صدور وام نرخ تورم ۱۰ درصد است. برای سال اول وام گیرنده ۱۴ درصد سود به بانک پرداخت می‌کند. نرخ تورم به ۱۳ درصد افزایش می‌یابد و مشتری برای سال دوم ۱۷ درصد به بانک پرداخت می‌کند. در آغاز سال سوم نرخ تورم به ۸ درصد کاهش می‌یابد و هزینه استقراض برابر با ۱۲ درصد می‌شود.

انتخاب‌های اقتصادی را منحرف ساخته و رفتار عوامل اقتصادی در سطح سازمانی در راستای رقابت برای کسب هرچه بیشتر رانت، شکل خواهد گرفت، بنابراین فعالیت‌های تولیدی از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشند. در واقع انگیزه برای کارآفرینی در زمینه‌های تولیدی اقتصاد تضعیف گردیده و کارآفرینان اقتصادی ترجیح می‌دهند تا با سوء استفاده از نهادهای ضعیف، رانت بالایی را کسب نمایند و از فعالیت‌های تولیدی که درآمد نسبی کمتری خواهند داشت، خارج گردند. منبع بسیاری از رانت‌های موجود در اقتصاد ایران سیستم بانکی و نقش تعیین‌کننده بانک در اقتصاد است. وجود چنین رانت عظیمی سبب می‌گردد که فعالان اقتصادی به جای بهینه کردن فرآیندهای کاری خود و خلق ارزش افزوده به دنبال رفتارهای رانت‌جویانه بروند. چنین رفتارهای رانت‌جویانه و بعضاً غیرقانونی سبب می‌گردد که برخوردهای قهری با این افراد در دستور کار قرار بگیرد. رویکرد اصلی نهادی جهت مقابله با رانت جویی، افزایش شفافیت می‌باشد. این نیرو کمک می‌کند تا سیاست‌های اقتصادی مطلوب انتخاب شده و با فساد و ناکارآمدی‌های احتمالی دولت در ارایه تسهیلات بانکی مقابله شود. شفافیت می‌تواند نهادهای بومی کارآمد را که صلاحیت لازم برای اتخاذ سیاست‌های صحیح کارشناسی برخوردارند را بسازد (گزارش سیاستی بانک جهانی^۱، ۲۰۱۶). از این رو می‌بایست شفافیت حداکثری، پارادایم حاکم بر اصلاحات ساختاری نظام بانکی جهت اطمینان از حمایت عموم مردم از اصلاحات و جلوگیری از بروز و ایجاد فساد و رانت باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود افزایش شفافیت به صورت کلی در تمام بخش‌های سیستم بانکی از جمله صورت‌های مالی، انتصابات در بانک‌ها و شرکت‌های زیر مجموعه بانک‌ها، دارایی و درآمد مقامات و مدیران بانکی و از طریق ابزارهای الکترونیک پیگیری شود. اطلاع رسانی عمومی بانک‌های خاطی نیز می‌تواند در این راستا اجرا شود (قائمی اصل و ولایتی، ۱۳۹۹).

۳-۳-۳. متنوع سازی روش‌های تامین مالی برای کاهش فشار بر سیستم بانکی و جلوگیری از صوری شدن قراردادهای

در قانون برنامه ششم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور تنها تامین مالی ۲۵ درصد از منابع مالی مورد نیاز دستیابی به رشد اقتصادی هشت درصدی از منابع سیستم بانکی مشخص شده است و می‌بایست هفتاد و پنج درصد منابع مالی مورد نیاز از سایر نهادها و بازارهای مالی نظیر بازار سرمایه، فاینانس و جذب سرمایه گذاری خارجی تامین گردد. بررسی واقعیت‌های اقتصاد ایران نشان می‌دهد که در حال حاضر علیرغم این ماده قانونی، بار اصلی تامین مالی اقتصاد بر عهده سیستم بانکی بوده که این خود بستر ساز انحراف مسیر تسهیلات دهی سیستم بانکی شده است.

۳-۳-۴. استقلال کافی و با کیفیت بانک مرکزی به منظور مدیریت سلطه مالی و جلوگیری از اتخاذ سیاست‌های پولی موافق چرخه‌ای و تعریف تسهیلات تکلیفی

¹. Making Politics Work for Development: Harnessing Transparency and Citizen Engagement

جهت حذف یا کاهش سلطه مالی نهاد دولت بر بانک مرکزی که موجب ایجاد اختلال در نظام پولی و بانکی و ایجاد تورم مزمن و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود، لازم است تا روابط نهادی دولت با نظام مالی کشور اصلاح شود. در راستای کاهش سلطه بودجه بر نظام پولی از جنبه‌های نهادی، شامل تکالیف مجلس و دولت به بانک مرکزی، لازم است تا استقلال بانک مرکزی محقق شده و تضاد منافع در ساختار بانک مرکزی از بین برود. از جنبه‌های ساختاری نیز لازم است تا نحوه ریالی شدن درآمدهای نفتی دولت، رابطه دولت با بانکها و ایجاد ابزارهای کافی در بازار پول و عملیات‌های استاندارد جهت اعمال سیاست‌گذاری پولی در بانک مرکزی اصلاح شود. در صورت نبود چنین ساختارها و نهادهایی، بازارهای مالی و بدهی کشور عمیق نشده و دولت از این امکان بزرگ بی‌بهره می‌شود. به عبارت دیگر جهت کاهش سلطه مالی و فشار مالی دولت به نظام بانکی و نیز بهبود شرایط نظام بانکی کشور، لازم است تا از یکسو روابط فی‌مابین دولت و بانک مرکزی بازنگری شود تا نظام بودجه‌ای، مالی، پولی و بانکی کشور، در یک پارادایم جدید بازتعریف شود و بدین ترتیب علاوه بر تأمین استقلال واقعی بانک مرکزی و اصلاحات نهادی و ساختاری مربوطه، دولت نیز بتواند از بازار پولی و مالی عمیق و توسعه یافته جهت توسعه کشور استفاده نماید. از سوی دیگر نیز باید با مدیریت بدهی‌های دولت در بازار پولی و مالی، اقدام به کنترل هزینه‌های بودجه و نیز خارج کردن اقتصاد از رکود نمود. بدهی‌های دولت در ترازنامه بانکها می‌تواند به صورت اوراق مالی اسلامی به فروش برسد و از ترازنامه بانکها خارج شود. با این اقدام و با توجه به تخفیف معضل نقدینگی بانکها و افزایش قدرت وام‌دهی شبکه بانکی، مشکل بخش قابل‌توجهی از بنگاه‌های اقتصادی رفع می‌شود. جهت مدیریت نقدینگی، کنترل نرخ اوراق دولت و نرخ‌های سود در بازار پول و بدهی، لازم است تا بانک مرکزی اجرای عملیات بازار باز را پس از اصلاح ترازنامه بانکها آغاز نماید. این اقدام علاوه بر آنکه قدرت مدیریت نقدینگی را به بانک مرکزی می‌دهد، موجب می‌شود نرخ تأمین مالی دولت کاهش یابد و لذا هزینه‌های دولت به شدت کاهش می‌یابد.

۳-۳-۵. افزایش اقتدار بانک مرکزی در نظارت بر سیستم بانکی به ویژه نظارت شرعی از طریق ایجاد شفافیت کامل در تسهیلات پرداختی به ویژه تسهیلات پرداخت شده در قالب عقود مشارکتی از طریق ایجاد پایگاه اطلاع رسانی تسهیلات بانکی

نظارت بر بانکها و موسسات مالی به منظور صیانت از ثبات نظام مالی، یکی از مهمترین کارکردهای بانکهای مرکزی یا نهاد نظارت بانکی مستقل است. بدین منظور، تدوین مقررات شاخصهای مرتبط، نظارت بر التزام بانکها به این مقررات و نهایتاً مجازات متخلفان ضروری است. از این رو یکی از اصلیت‌ترین موضوعاتی که باعث شکل‌گیری بانکهای مرکزی در کشورهای مختلف شد مسئله نیاز به نظارت بر مؤسسات مالی جهت حفظ ثبات این نظام بود. قوانین و شاخصهای مختلفی بدین منظور تدوین شد تا با ساماندهی رفتار مؤسسات مالی از برهم خوردن ثبات این نظام جلوگیری شود. اجرای قوانین و مقررات نظام مالی نیز به مانند سایر قوانین نیازمند نظارت بر اجرا و برخورد با

متخلفین به منظور جلوگیری از شیوع تخلف است. با این تفاوت که به دلیل حساسیت مسئله ثبات مالی باید در امر نظارت بر بانکها دقت بیشتری داشت و اصول بازدارندگی را به صورت دقیق تر به اجرا درآورد. همچنین مولفه‌های ضروری برای نظارت بانکی خوب در ادبیات این حوزه ذیل دو محور توانایی اقدام و تمایل به اقدام برای مقام ناظر معرفی شده است. همچنین ادبیات بازدارندگی مجازاتها، سه مولفه سرعت، شدت و حتمیت مجازاتها را به عنوان عناصر ضروری برای صیانت از اقتدار مقام ناظر معرفی می‌نماید.

بررسی صورت‌های مالی و شاخص‌های عملکرد بانکها در ایران نشان می‌دهد که نه تنها بسیاری از مقررات نظارتی در بانکها رعایت نمی‌شود بلکه در سال‌های مختلف تکرار نیز می‌شود (روحانی و پرهیزکاری، ۱۳۹۶). آسیب شناسی انجام شده نشان می‌دهد مهمترین علل ریشه‌های عدم رعایت اصول بازدارندگی مجازاتها ضعف اقتدار مقام ناظر بانکی در ایران را می‌توان در موارد زیر دانست: انباشت تخلفات بانکها، وضعیت پنجره شکسته فشارهای ذی نفعان بر مقام ناظر، فقدان معیار برای ارجاع تخلفات بانکها به هیات انتظامی، فرایند زمان بر رسیدگی به تخلفات، امکان تجدیدنظر چندباره، وجود تعارض منافع در ترکیب هیات انتظامی بانکها، ضعف تمایل به اقدام در مقام ناظر بانکی (روحانی و پرهیزکاری، ۱۳۹۶). لذا پیشنهاد می‌گردد اقتدار بانک مرکزی به عنوان مقام ناظر افزایش یافته و برای مقابله با فساد اداری در نظام بانکی، افزایش کیفیت و مراحل نظارت بانک مرکزی بر اجرای درست قوانین، در کنار افزایش جریمه‌ها و اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص بانک‌های خاطی پیگیری شود (قائمی اصل و ولای، ۱۳۹۹).

۳-۳-۶. اصلاح ساختار نظارتی سیستم بانکی در نظارت بر هزینه کرد تسهیلات پرداختی و برخورد با متخلفان از طریق بالا بردن هزینه تخلف

در این راستا ایجاد شرکتهای تخصصی شامل متخصصین و تحلیلگران مالی، مشاورین اقتصادی، بانکداران و غیره به عنوان نهادهایی مستقل و تحت نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به منظور اجتناب از مشکلات اجرایی احتمالی و تحمیل هزینه‌های این تشکیلات به بانکها پیشنهاد می‌گردد. این مهم می‌تواند از طریق برون سپاری ارزیابی اقتصادی درخواستها و نظارت بر استفاده از تسهیلات مشارکتی در سیستم بانکی به شرکتهای تخصصی مالی و اقتصادی شبیه پروژه‌های پیمانکاری که دارای ناظر مستقل هستند، صورت پذیرد. سید نورانی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در مطالعه خود بر انجام نظارت دقیق و مرحله به مرحله بر عملکرد مشتری و اطمینان از مصرف وجوه پرداختی در محل پیش بینی شده و فعالیت اقتصادی مصوب و جلوگیری جدی از مصرف تسهیلات بیش از میزان پیش بینی شده و در غیر از محل تعیین شده طرح تاکید نموده و پیشنهاد نموده‌اند به منظور ارزیابی کیفیت تسهیلات، بازرسان بانکها به طور دوره‌ای کارایی سیاستها و امور مربوط به تسهیلات را ارزیابی کنند.

۳-۳-۷. طراحی و اجرای نظام اعتبارسنجی مشتریان بانکها و ساماندهی رابطه بانک و بنگاه در کشور به منظور تسهیل فرایند پرداخت تسهیلات به مشتریان خوشنام و خوش حساب مطابق با ارزیابی شاخصهای تسهیل محیط کسب و کار

روابط بلندمدت بانک و مشتری، کارایی بانکداری اسلامی در کاربرد عقود مشارکتی را بهبود می‌بخشد. انعقاد قراردادهای مکرر در اصناف و فعالیتهای مشخص، به تدریج به افزایش آگاهی و شناخت نسبی بانک از عملکرد آن حوزه از اقتصاد می‌انجامد و به این ترتیب هزینه‌های نظارتی بانک را کاهش می‌دهد. به این ترتیب، بانک می‌تواند یک ایده درست از عملکرد مشتری را نسبت به سایر مشتریان در شرایط مشابه توسعه داده و از این طریق مشخص نماید که نرخ بازدهی پایین، نتیجه ناکارآمدی گیرنده تسهیلات، فرصت‌طلبی یا رکود بخشی است. مطالعه قوامی (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد طراحی و اجرای نظام اعتبارسنجی مشتریان در قالب الگوی مدیر - عامل در عقود مشارکتی موجب کارآمدی بیشتر و عملیاتی تر شدن آن می‌شود و در محیط کاملاً اسلامی موجب به حداقل رساندن مشکل کژگزینی می‌گردد.

۳-۳-۸. تخصص‌گرایی در سیستم بانکی و توسعه الگوهای مختلف بانکداری در کشور به ویژه الگوی بانکداری سرمایه‌گذاری به منظور جلوگیری از انحراف تسهیلات مشارکتی

پیشنهاد می‌گردد تسهیلات در قالب عقود مشارکتی در هر حوزه تنها توسط بانک تخصصی حوزه مربوطه پرداخت شود و بانکهای تخصصی کشور هر یک عهده دار پرداخت تسهیلات مشارکتی در قلمرو تخصصی خود بوده و به سایر انواع قراردادها در حد ضرورت اکتفاء نمایند. بانکهای تجاری نیز به اعطای تسهیلات از طریق عقود مبادله‌ای پرداخته و در حد ضرورت از عقود مشارکتی استفاده کنند.

۳-۳-۹. ایجاد امکان استفاده از مشاوره و نظارت کارشناسان رسمی دادگستری رشته سرمایه‌گذاری، پولی و اعتباری بر قراردادهای بانکی قبل از نهایی شدن توسط بانکها و مشتریان

با توجه به تخصص‌های مربوط به کارشناسان رسمی دادگستری رشته امور سرمایه‌گذاری پولی و اعتباری، این کارشناسان می‌توانند به سیستم بانکی و مشتریان آن در تنظیم صحیح قراردادها و نظارت بر اجرای صحیح عقود کمک نمایند.

۳-۳-۱۰. توسعه صنعت بیمه و استفاده از ظرفیت آن برای کاهش ریسک پرداخت تسهیلات توسط سیستم بانکی

امروزه بیمه نقش بسیار ویژه و منحصر به فردی در جبران حوادث و خسارتها دارد و به افراد اطمینان خاطر و آسایش فردی یا جمعی بالایی می‌دهد. صنعت بیمه در کشور روز به روز در حال

رشد و توسعه است که به دلیل پیشرفت سیستم‌های اقتصادی، تجاری و مالی می‌باشد. بنابراین مشارکت صنعت بیمه در نظام تامین مالی از طریق ایجاد فضای اطمینان در بازار مالی است. بازار پول دارای ریسک‌های زیادی می‌باشد که عدم پوشش مناسب این ریسک‌ها فعالیت در این بازار را با مشکل روبرو خواهد کرد. به عنوان مثال بانک‌ها به عنوان یکی از نهادهای مالی در کشور با ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی مواجه اند. به طوریکه حجم بالای مطالبات معوق بانک‌ها در سال‌های اخیر بر میزان این ریسک افزوده و فرایند اعطای تسهیلات را دچار مشکل نموده است. برخی از این ریسک‌ها درونزا و ناشی از عملکرد شرکت‌ها و دست‌اندرکاران آنهاست که قابل اجتناب، قابل تقلیل و حتی قابل حذف‌اند ولی مخاطرات برونزا یا ریسک‌های ناشی از وضع اقتصاد کلان یا اقتصاد بین‌المللی به سادگی گریزپذیر و قابل حذف نیستند. یکی از بهترین ابزارهایی که می‌تواند این گونه ریسک‌ها را پوشش دهد بیمه است. بیمه کارکرد بیمه‌گری خود در بازار پول را عمدتاً از طریق بیمه‌های اعتباری انجام می‌دهد. بیمه‌های اعتباری شامل بیمه اعتبار تجاری، بیمه اعتبار اوراق قرضه، بیمه اعتبار وام نقدی، بیمه اعتبار عمر مانده بدهکار، بیمه اعتبار بیماری و حوادث، بیمه سپرده‌های بانکی، بیمه اعتبار اسناد حساب دریافتی، بیمه اعتبار بیکاری اجباری، بیمه اعتبار اموال می‌باشد. بنابراین ایفای نقش غیر مستقیم صنعت بیمه در نظام تامین مالی به میزان توسعه یافتگی بیمه‌های اعتباری در صنعت بیمه دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد صنعت بیمه در این حوزه توسعه یافته تا بتوان از ظرفیت آن برای کاهش ریسک پرداخت تسهیلات در سیستم بانکی استفاده نمود.

۳-۳-۱۱. تدوین سازوکار پویا و هوشمند برای به روز رسانی قانون عملیات بانکداری بدون ربا

ارائه راهکاری مناسب و موثر جهت اجرای صحیح بانکداری اسلامی به معنای واقعی آن، در کشور به گونه‌ای که تامین‌کننده اهداف پیش‌بینی‌شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز باشد؛ باید قبل از هر چیز منوط به بازنگری در این قانون و تجدیدنظر در آن با نگرشی علمی، همه‌جانبه و واقع‌گرایانه، با توجه به شرایط و مقتضیات جامعه کنونی دانست. قانون عملیات بانکی بدون ربا که در واقع، خطوط اساسی بانکداری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران را تبیین و ترسیم میکند، حاصل کوشش قابل ملاحظه‌ای است که نزدیک به دو سال در تهیه و تنظیم و تدوین آن صرف شده است؛ با وجود این، نمی‌توان این قانون را خالی از هرگونه کاستی و نارسایی دانست. از آنجایی که متن قانون، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آن در مدت زمان نسبتاً کوتاهی تهیه شده و طی سال‌های گذشته نیز فرصتی کافی برای بازبینی و تجدیدنظر آن حاصل نبوده است، این نظام بانکداری به دلیل پاره‌ای از مشکلات ساختاری، حقوقی و اجرایی در عمل نتوانسته است تفاوت‌های خود را با نظام بانکداری سنتی که به شیوه ربوی عمل می‌کند به خوبی نشان دهد. از این رو اصلاح قانون عملیات بانکداری بدون ربا و ارائه دستورالعمل‌های اجرایی جامع و همه‌شمول که از عهده انطباق مفاهیم فقهی و اقتصادی به درستی برآید، ضروری می‌نماید. از طرف دیگر دنیای پرتحول و

فعال بانکداری در جهان امروز که همواره شاهد نوآوری‌های پولی جدید و شیوه‌های ابداعی در فعالیت‌های راهبردی در نظام بانکی و رقابت فشرده بین بانک‌ها در نوآوری‌ها و معرفی روش‌های نوین خدمات رسانی به مشتریان است قانونی پویا مطابق با نیازهای بانکداری امروزی در جهان را طلب می‌نماید. همچنین دستورالعمل‌های اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا و روشهای حسابداری و بخشنامه‌هایی که همگی به یک شکل و برای همه بانک‌ها صادر می‌شوند در اجراء با مسائل و مشکلات گوناگونی مواجه می‌شوند که ضروری است این قانون متناسب با موضوعات مختلف به صورت هوشمند تطبیق یابد (مطالعه قوامی (۱۳۹۶)، موسویان و عبداللهی (۱۳۹۲)، طالبی و کیانی (۱۳۹۱)).

۳-۳-۱۲. اجرای کامل مفاد قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار در حوزه فرمت تنظیم قراردادهای

در راستای یکسان سازی قراردادهای در کل سیستم بانکی و کاهش مشکلات موجود در تنظیم قرارداد عقود مشارکتی، اجرای کامل مفاد ماده ۲۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار پیشنهاد می‌گردد. ماده ۲۳ بیان می‌دارد که کلیه دستگاه‌های اجرائی مکلفند به منظور ایجاد تراضی و عدالانه نمودن قراردادهای و قراردادهای الحاقی در انعقاد قرارداد با شرکت‌های بخش خصوصی و تعاونی برای خرید کالا یا خدمت، از فرم‌های یکنواخت استفاده نمایند و یک نسخه از این فرم‌ها را برای هر کدام از اتاق‌ها ارسال دارند. بر اساس تبصره این ماده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است ظرف شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون، فرم‌های یکنواختی برای هر یک از عقود اسلامی که منجر به اعطاء تسهیلات می‌شود، همچنین نحوه اعطاء تسهیلات و شیوه‌های اخذ ضمانتنامه از بخش‌های خصوصی و تعاونی متناسب با اعتبارسنجی مشتریان را تهیه کند و به تصویب شورای پول و اعتبار برساند و بر حسن اجرای آن نظارت نماید.

۳-۳-۱۳. ایجاد وحدت رویه در محاسبات مربوط به اصل و سود سپهلات بانکی در سیستم بانکی

این مساله که روش مرکب مورد استفاده بانک‌ها، تا چه حد نسبت به روش ساده مبلغ سود را تغییر می‌دهد قابل بررسی است. برای مثال کسی که ۶۰ میلیون ریال و بر اساس نرخ سود ۱۲ درصد تسهیلات دریافت کرده است، در صورتی که سررسید تسهیلات یک ساله داشته باشد، قسط ماهانه این شخص طبق روش ساده ۵۳۲۵ هزار ریال، ولی بر اساس روش مرکب ۵۳۳۰ هزار ریال است که با توجه به روش ساده به نفع بانک محاسبه می‌شود. در این حال شخصی که همین مبلغ را با سررسید ۲۰ ساله دریافت کرده باشد، حسب روش ساده معادل نرخ سود پرداختی او به بانک ۱۶/۳۶ درصد است که ۴/۲۶ درصد به نفع بانک خواهد بود.

در روش مرکب هر چه مدت قرارداد (در رابطه با سررسید اقساط) بیشتر باشد، ما به التفاوت سود به نفع بانک نسبت به روش ساده بیشتر است. در نتیجه با توجه به ابلاغ روش جدید محاسبه سود

در بانک‌ها و به منظور ایجاد انگیزش در مشتریان در استهلاك وام‌های دریافتی قبل از سررسید و بازگشت سریع تر منابع بانکی و احیای منابع مالی آنها، ضرورت دارد هنگام تسویه حساب تسهیلات قبل از اتمام دوره مورد نظر مشتریان، بانک‌ها مبالغ دریافتی را به طور مساوی بابت اصل و فرع تسهیلات منظور کنند و در کل سیستم بانکی روش یکسانی در این خصوص اعمال شود. در این صورت آن دسته از مشتریان که توان تسویه حساب تسهیلات دریافتی را قبل از اتمام دوره مورد توافق دارند، تشویق به تسویه حساب زودتر از موعد می‌شوند و به این ترتیب قسمتی از منابع بانک برای استفاده سایر متقاضیان تسهیلات آزاد می‌شود و در مجموع تعداد بیشتری از مشتریان از سیستم بانکی رضایتمند می‌شوند. بنابراین محاسبه نرخ سود به روش مرکب و ساده باعث ایجاد تفاوت‌هایی خواهد شد. نرخ سود یا نرخ بازده ساده بر این فرض استوار است که سودهای کسب شده در مقاطع مختلف، خود وارد سرمایه گذاری نمی‌شود و بازده سودهای حاصله محاسبه نمی‌شود، بلکه فقط بازده یا سود اصل تسهیلات مدنظر قرار می‌گیرد. در مراحله ساده با گذشت زمان میزان سود دریافتی با یک روند ثابت افزایش می‌یابد و شیب این روند بستگی به نرخ سود دارد، اما در مراحله مرکب سود دریافتی روندی صعودی داشته و از روند فزاینده برخوردار است. بنابراین مشاهده می‌شود که تنها نرخ سود اعلام شده از سوی شورای پول و اعتبار نمی‌تواند معیار قرار گیرد و باید نحوه محاسبه نرخ سود در بانک‌ها و موسسات اعتباری نیز از یک رویه یکسان برخوردار باشد.

کارشناسان معتقدند باید شیوه ای در نظر گرفت، که تمامی بانک‌ها از یک شبکه واحد برای محاسبه نرخ سود تسهیلات استفاده کنند. به عنوان مثال در حال حاضر برای پرداخت الکترونیکی همه از یک شبکه واحد استفاده می‌کنند و این موضوع باعث شده اختلافی در بانک‌ها ایجاد نشود. از سوی دیگر، در این شبکه می‌توان نرخ جریمه دیرکرد را نیز طوری تعیین کرد که مورد سوءاستفاده از سوی بانک‌ها قرار نگیرد و از سوی دیگر، یک عامل بازدارنده برای جلوگیری از تعویق پرداخت اقساط باشد. در نتیجه باید شیوه ای اتخاذ شود که سیاست‌های نظارتی به جای اینکه بر رعایت کردن نرخ‌ها و سقف گذاری برای آن تاکید کند، سازوکاری را در نظر گیرد که نحوه محاسبه بازپرداخت بانک‌ها برای مشتریان واضح باشد، در غیراین صورت مساله عدم تقارن اطلاعاتی در قراردادهای بانکی باعث کژمنشی در نرخ وام دهی می‌شود.

۳-۳-۱۴. ارایه آموزش‌های لازم به کارکنان در خصوص تکمیل متن قراردادها

نظر به اهمیت بحث تنظیم و تکمیل قراردادهای بانکی ضرورت دارد آموزش‌های لازم در خصوص ماهیت قراردادها، نحوه تنظیم و یا تکمیل آنها، مسئولیت‌های ناشی از عدم رعایت الزامات قانونی و مخاطرات احتمالی ناشی از این موضوع به کارمندان بانک‌ها و متصدیان این امر ارائه گردد.

۳-۳-۱۵. ایجاد تنوع در وثایق بانکی

یکی از موانع عمده بر سر راه اعتباردهی به بنگاه‌های اقتصادی، توانمند نبودن آنها از لحاظ دارایی‌های ملموس برای ارائه به‌عنوان وثیقه و اخذ ضمانت‌نامه‌های بانکی است که منجر به ایجاد

چرخه‌ای باطل می‌شود. به عبارت دیگر تامین وثایق برای دریافت تسهیلات بانکی یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که روند توسعه بنگاه‌های تولیدی را کند کرده است. از طرف دیگر نیز وجود میلیاردها ریال مطالبات غیرجاری با انواع وثایق ملکی، محل اجرای طرح و چک و سفته و ... نتوانسته است باعث جلوگیری از انجماد منابع بانک‌ها شود. انبوهی از پرونده‌های قضایی مرتبط با مطالبات غیرجاری و شکایت‌های متقابل بانک و دریافت‌کنندگان تسهیلات (مدیونین) و ایجاد یک کسب و کار بسیار پررونق در اطراف این دعوای گنج‌کننده برای انواع وکالت‌ها و امور اجرایی آن نشان از بحران در مدیریت وثایق در نظام بانکی کشور می‌دهد و ضرورت دارد قوای سه‌گانه کشور هرچه سریع‌تر تغییراتی بنیادین در آن ایجاد کنند. امار در کوتاه مدت در راستای تسهیل در تضمین قراردادهای مشارکتی، استفاده از وثایق متنوع و در دسترس همچون اوراق بهادار (همچون سهام عدالت)، انواع سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، اوراق مشارکت، اوراق سهام شرکت‌های معتبر و ... به منظور تعدیل پشتوانه و وثایق سنتی سیستم بانکی پیشنهاد می‌گردد.

۳-۳-۱۶. توسعه ارتباطات بین بازار پول و بازار سرمایه

نظرپور و لطفی‌نیا (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان "اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی در بانکداری اسلامی به کمک صندوق‌های پروژه محور" به این نتیجه رسیده‌اند از جمله بازارهایی که می‌تواند نظام بانکی را در اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی یاری رساند، بازار سرمایه می‌باشد. در مقاله ذکر شده به روش توصیفی-تحقیقی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی این فرضیه پرداخته شده است که صندوق‌های پروژه محور می‌توانند طی سه مرحله بررسی تقاضا، نظارت و اجرا و حسابرسی و تسویه، بانک‌ها را در اجرا صحیح تسهیلات مشارکتی یاری نمایند. در واقع این نوع از تعامل بین صندوق‌های پروژه‌محور و بانک‌های اسلامی علاوه بر کمک به بانک‌ها برای ورود به بخش‌های مختلف اقتصادی جهت اعطای تسهیلات مشارکتی زمینه کسب درآمد برای صندوق‌ها از طریق کارمزد ارائه خدمات را فراهم خواهد کرد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس مطالعات نظری موجود عقود مشارکتی بنیان اصلی بانکداری اسلامی را تشکیل می‌دهد. همچنین مطالعات تجربی موجود نیز بر اهمیت نقش این عقود در ایجاد رشد اقتصادی، اشتغال و افزایش درآمد سرانه تاکید نموده‌اند. علیرغم این موضوع، سهم عقود مشارکتی از کل تسهیلات سیستم بانکی ایران در سال‌هایی اخیر کاهش یافته است. این موضوع بیانگر وجود مشکلات اساسی در اجرای این عقود می‌باشد. مشکلاتی که سبب شده بانک مرکزی نیز با ابلاغ بخشنامه‌ای موقداً توصیه نماید بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی در فرآیند تخصیص منابع عمدتاً به عقود غیرمشارکتی معطوف شوند. نظر به اهمیت استفاده از مشارکت واقعی در تخصیص منابع مالی در نظام اقتصادی، این مطالعه با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از مفاد نمونه‌ای از دعوی قضایی موجود در این زمینه، به بررسی مشکلات استفاده از عقود مشارکتی در سیستم بانکی

و ارایه راهبردهای مورد نیاز برای رفع آنها در ایران پرداخته است. نتایج بیانگر آن است که تعیین نرخ سود در قراردادهای مضاربه هنگام عقد قرارداد و عدم مشخص نمودن سهم سود طرفین در قرارداد، عدم افتتاح حساب ویژه در قراردادهای مشارکت، درج شروط خلاف مقتضای ذات قرارداد مشارکت مدنی در متن قرارداد، عدم محاسبه سود و خسارت تاخیر و جوجه پرداختی از سوی گیرنده تسهیلات و دیگر متعهدین با فرمول قانونی توسط بانک‌ها، عدم تنظیم مناسب قراردادهای ثانویه بین طرفین بابت تمدید بعد از قرارداد اولیه و در راستای استمهال یا پرداخت تسهیلات مجدد جهت وصول تسهیلات قبلی، عدم هماهنگی با ضامنین قراردادهای در تمدید قراردادها و تمدید قرارداد بدون اطلاع ضامنین، عدم مشخص نمودن دقیق موضوع قراردادهای در متن قرارداد و در نتیجه عدم تحقق موضوع قرارداد، عدم تسلیم نسخه دوم قراردادهای به تسهیلات گیرنده، عدم تکمیل متن قرارداد به صورت کامل، عدم تعیین نحوه تصفیه و تسویه حساب مشارکت مدنی، عدم مشخص نمودن دقیق مدت قرارداد و عدم رعایت ترتیب زمانی دین و رهن از مهمترین مشکلات موجود در تنظیم قراردادهای مشارکتی در سیستم بانکی می‌باشند. همچنین تاکید بیش از اندازه بر اعتماد متقابل، بالابودن ریسک اعتباری مشتریان، هزینه‌های بالای ارزیابی و نظارت، پیچیدگی تفسیر قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به عملیات بانکی، گستردگی حوزه فعالیت مدیران سیستم بانکی و نیار به تخصص و دانش بالا، بالا نبودن سطح آگاهی مشتریان بانکی از فرایندها و قوانین شرعی و مدنی حاکم بر اجرای عقود مشارکتی، عملکرد بانک مرکزی در حوزه سیاست‌گذاری پولی و اعتباری، بی‌ثباتی اقتصاد کلان و بالا بودن عدم اطمینان در اقتصاد، فقدان نظارت و کنترل اثربخش بر عملکرد بانک‌ها، نحوه تعیین و استخراج نرخ سود، وجود سلطه مالی در اقتصاد، ضعف استانداردهای حسابداری در بانکداری اسلامی ایران و عدم ریسک‌پذیری بانک‌ها و عدم مشارکت بانک‌ها در زبان، از مهمترین موانع اجرا و پایبندی به عقود مشارکتی در ایران هستند. یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد امکان‌پذیر نمودن استفاده از نرخ سود مورد انتظار شناور در قراردادهای بانکی، استقرار سامانه شفاف‌سازی تسهیلات بانکی، متنوع‌سازی روش‌های تامین مالی برای کاهش فشار بر سیستم بانکی و جلوگیری از صوری شدن قراردادهای، استقلال کافی و با کیفیت بانک مرکزی به منظور مدیریت سلطه مالی و جلوگیری از اتخاذ سیاست‌های پولی موافق چرخه‌ای و تعریف تسهیلات تکلیفی، افزایش اقتدار بانک مرکزی در نظارت بر سیستم بانکی به ویژه نظارت شرعی از طریق ایجاد شفافیت کامل در تسهیلات پرداختی به ویژه تسهیلات پرداخت شده در قالب عقود مشارکتی از طریق ایجاد پایگاه اطلاع‌رسانی تسهیلات بانکی، اصلاح ساختار نظارتی سیستم بانکی در نظارت بر هزینه‌کرد تسهیلات پرداختی و برخورد با متخلفان از طریق بالا بردن هزینه تخلف، طراحی و اجرای نظام اعتبارسنجی مشتریان بانک‌ها و ساماندهی رابطه بانک و بنگاه در کشور به منظور تسهیل فرایند پرداخت تسهیلات به مشتریان خوشنام و خوش‌حساب مطابق با ارزیابی شاخص‌های تسهیل محیط کسب و کار، تخصص‌گرایی در سیستم بانکی و توسعه الگوهای مختلف بانکداری در کشور به ویژه الگوی بانکداری سرمایه‌گذاری به منظور جلوگیری از انحراف تسهیلات مشارکتی، ایجاد امکان استفاده از مشاوره و نظارت کارشناسان رسمی دادگستری رشته

سرمایه‌گذاری، پولی و اعتباری بر قراردادهای بانکی قبل از نهایی شدن توسط بانک‌ها و مشتریان، توسعه صنعت بیمه و استفاده از ظرفیت آن برای کاهش ریسک پرداخت تسهیلات توسط سیستم بانکی، تدوین سازوکار پویا و هوشمند برای به روز رسانی قانون عملیات بانکداری بدون ربا، اجرای کامل مفاد قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار در حوزه فرمت تنظیم قراردادها، ایجاد وحدت رویه در محاسبات مربوط به اصل و سود تسهیلات بانکی در سیستم بانکی، ارایه آموزش‌های لازم به کارکنان در خصوص تکمیل متن قراردادها، ایجاد تنوع در وثایق بانکی و توسعه ارتباطات بین بازار پول و بازار سرمایه، مهمترین راهبردهای بهبود دهنده عقود مشارکتی در نظام بانکی ایران می‌باشند که پیشنهاد می‌گردد این راهبردها و راهکارها در دستور کار مدیران شبکه بانکی قرار گیرد. همچنین با توجه به گستره این تحقیق می‌توان پیشنهادهای زیر را جهت انجام مطالعات آتی ارایه نمود:

در این تحقیق با توجه به محدودیت‌های موجود، تعداد معدودی از پرونده‌های قضایی مورد بررسی قرار گرفته است. لذا پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آتی تعداد بیشتری از پرونده‌های موجود مورد بررسی قرار گیرند.

با توجه به ادبیات تحقیق، ضروری است اثر عقود مشارکتی بر شاخص‌های اقتصاد کلان کشور در یک مطالعه مستقل در قالب الگوهای کلان سنجی یا الگوهای تعادل عمومی پویای تصادفی مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به وجود رویه‌های مختلف در مواجهه با اختلافات بانک‌ها و مشتریان در قراردادهای مشارکتی و فقدان مبنای مشخص برای بررسی این اختلافات، پیشنهاد می‌گردد نحوه ایجاد وحدت رویه در این خصوص در یک مطالعه بین رشته‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

۱. اصغرپور، حسین، سلمانی، بهزاد و نیکی اسکویی، کامران (۱۳۹۴)، تحلیل تجربی سلطه مالی در اقتصاد ایران: رویکرد خودتوضیح برداری ساختاری، سیاست‌گذاری اقتصادی، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۱۳۳-۱۶۲.
۲. الهام، صادق، سعدی، حسینعلی و اسدی، حمید (۱۳۹۶)، بطلان شرط ضمان در قرارداد مضاربه بانکی در بانکداری اسلامی. مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۳۷-۵۶.
۳. ایروانی، محمد جواد و غزالی، امین (۱۳۹۳). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ترجیح سیاست‌گذاران نظام بانکی در ارائه انواع تسهیلات به متقاضیان (رویکرد ترکیبی). (دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، سال ۱، شماره ۱، صص ۲۰۵-۲۲۶).
۴. باباجانی جعفر، شکرخواه، جواد (۱۳۹۱)، مدل مناسب حسابداری برای بانکداری اسلامی در ایران با تاکید بر عقود مشارکتی، نشریه بورس اوراق بهادار، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۶۳-۱۹۲.
۵. حاجیان، محمد رضا (۱۳۹۰)، موانع و مشکلات اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور، نشر پژوهشکده پولی و بانکی.
۶. روحانی، سیدعلی و پرهیزکاری، سیدعباس (۱۳۹۶)، نظارت مؤثر بر بانک‌ها اقتدار مقام ناظر بانکی در ایران، بیست و هفتمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، تهران.
۷. سلطانی، محمد، حدادی، شهرزاد (۱۳۹۶)، تحلیل حقوقی و اقتصادی سود معین در مضاربه بانکی، مجله حقوقی دادگستری.
۸. سکوتی نسیمی، رضا (۱۳۹۱)، حقوق مدنی، عقود معین، مضاربه (با نگاهی به مضاربه‌های بانکی)، نشر میزان.
۹. سیدنورانی، سید محمد رضا، تاری، فتح‌الله، آقاجانی، کریم و حسن زاده، علی (۱۳۹۸)، عوامل مؤثر بر انحراف تسهیلات، مجلس و راهبرد، سال ۲۶، شماره ۹۸، صص ۴۱-۶۹.
۱۰. شاکری شمسی، محمد جمال، توکلی، محمدجواد (۱۳۹۷)، تحلیل ماهیت عقود مشارکتی، معرفت، سال ۲۷، شماره ۲۵۳، ویژه اقتصاد.
۱۱. شریفیان جزی، محمود (۱۳۷۶)، مضاربه در حقوق ایران و کاربرد آن در امور بانکی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده معارف اسلامی و حقوق.
۱۲. شهبازی، موسی، روحانی، سیدعلی و عزیزنژاد، صمد (۱۳۹۴)، تحلیل سلطه مالی بر سیاست‌های پولی در اقتصاد ایران: مطالعه موردی قوانین بودجه سنواتی، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۷-۲۸.

۱۳. شهنازی روح اله و پناهی، مجتبی (۱۳۹۵)، سنجش میزان صوری بودن قراردادهای تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک ملت شیراز. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال ۵، شماره ۱۶، ۱۷۵-۲۰۲.
۱۴. صالحی، زینب، غلامی جمکرانی، رضا، میثمی، حسین (۱۳۹۶)، بررسی موانع اجرای استانداردهای حسابداری مؤسسات مالی اسلامی در نظام بانکداری ایران، اقتصاد اسلامی، دوره ۱۷ شماره ۶۸، صص ۱۸۵-۲۱۱.
۱۵. طالبی، محمد و کیانی، حسن (۱۳۹۱)، ریشه یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات مالی اسلامی، سال اول، شماره دوم، صص ۳۷-۵۵.
۱۶. عاقلی، لطفعلی و عساری آرانی، عباس (۱۳۹۵)، تحلیل مبادله ریسک و بازدهی تحت قراردادهای مبادله‌ای و مشارکتی و دلالت‌های اشتغال‌زایی آنها، گردهمایی بین‌المللی بانکداری و تامین مالی اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۷. عبدالهی، محسن (۱۳۹۰)، آسیب شناسی الگوی عملیاتی مضاربه در نظام بانکداری بدون ربای جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی: بانک ملت، دانشگاه امام صادق علیه السلام - دانشکده مدیریت و معارف اسلامی.
۱۸. قائمی اصل، مهدی، ولائی، فیروز (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر فساد اداری بر سلامت مالی در نظام بانکی ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)، دوره ۲۰، شماره ۲، صص ۱۷۷-۲۱۲.
۱۹. قلیچ، وهاب (۱۳۹۹)، توصیه‌ای بر انتقال از تسهیلات مشارکتی به مبادله‌ای، شبکه خبری اقتصاد و بانک ایران.
۲۰. قوامی، سید حسن (۱۳۹۶). مدل نظری حل مشکل کژگزینی در عقود مشارکتی بانکداری اسلامی. اقتصاد اسلامی، سال ۱۷، شماره ۶۶، صص ۱۹۱-۲۱۴.
۲۱. کریمی عباس، نقیبی ابولقاسم و حسین بیکی، علی رضا (۱۳۹۷). تحلیل رویه‌ی قضایی پیرامون انعقاد قرارداد مشارکت مدنی بانکی به منظور تسویه تسهیلات قبلی. دیدگاه‌های حقوق قضایی، سال ۲۳، شماره ۸۲، صص ۲۱۵-۲۴۴.
۲۲. کشاورزبان پیوستی، اکبر (۱۳۸۸)، تخمین نرخ سود بهینه بانکی برای حداکثرسازی رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۳-۳۰.
۲۳. محرابی، لیلا (۱۳۹۸)، کاهش سهم عقود مشارکتی و افزایش تسهیلات مبادله‌ای، روزنامه تعادل.
۲۴. مرادی، یاسر و کریمی، عباس (۱۳۹۶). مسئولیت بانک‌ها در عقود مشارکتی (مشارکت مدنی و مضاربه). نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۱۳۵-۱۵۶.
۲۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷)، بررسی روش جدید محاسبه نرخ سود بانکی.

۲۶. معاونت نظارت و بازرسی امور اقتصادی و زیربنایی سازمان بازرسی کل کشور (۱۳۹۰)، گزارش ایرادها و نواقص مربوط به اعطای تسهیلات بانکی در قالب عقد مضاربه.
۲۷. ملاکریمی، فرشته و راغبی، محمد علی (۱۳۹۸)، معیارهای تشخیص شروط خلاف مقتضای عقد در عقود مشارکتی، اقتصاد اسلامی سال ۱۹، شماره ۷۴، صص ۸۹-۱۱۳.
۲۸. ملاکریمی، فرشته و نظر پور، محمد تقی (۱۳۹۴)، بررسی قرارداد مشارکت مدنی بانک مرکزی از دید قواعد فقهی، اقتصاد اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۷، صص ۱۳۷-۱۶۶.
۲۹. موسویان، سید عباس (۱۳۸۵)، الگوی جدید بانکداری بدون ربا، اقتصاد اسلامی، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۱۳-۵۰.
۳۰. موسویان، سید عباس و عبداللهی، محسن (۱۳۹۲). تبیین آسیب‌های اجرای عقود بانکی در کشور؛ رهیافتی برای تحقق اقتصاد مقاومتی، بهبود مدیریت، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۴۲.
۳۱. موسویان، سید عباس و میثمی، میثم (۱۳۹۴)، بررسی ساختار عملیاتی مطلوب بانکداری اسلامی (دلالت‌هایی در راستای اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا)، فصلنامه روند، سال ۲۲، شماره ۲۷، صص ۳۹-۸۲.
۳۲. نظرپور، محمدنقی و لطفی‌نیا، یحیی (۱۳۹۳)، اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی در بانکداری اسلامی به کمک صندوق‌های پروژه محور، تحقیقات مالی اسلامی، دوره ۴، شماره ۷، صص ۱۰۷-۱۳۴.

33. www.cbi.ir